



جامعهٔ منتظر

چالش‌ها و آسیب‌ها

سید محمد میرشاه

بسم الله الرحمن الرحیم

انتظار ۱۴: جامعه منتظر، چالش ها و آسیب ها

نویسنده:

محمد میرتبار

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انتظار ۱۴: جامعه منتظر، چالش ها و آسیب ها

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : جامعه منتظر، چالش ها و آسیب ها/محمد میرتبار.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۱۶۲ص.؛ ۲۰×۹س م.

فروست : انتظار؛ ۱۴

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : چاپ اول.

شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۲۰۴۲۸

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

جامعه منتظر، چالش ها و آسیب ها

سیدمحمد میرتبار

جامعه منتظر، چالش ها و آسیب ها

مؤلف: سیدمحمد میرتبار

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

طراح و صفحه آرا: عباس فریدی

سال تولید : ۱۳۹۰

شمارگان : چهار هزار

شابک: ۶-۲۴-۶۲۶۲-۶۰۰-۹۷۸

این کتاب با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

فهرست

چکیده

جامعه منتظر، اجتماعی آرمانی است که مورد نظر اسلام می باشد؛ از این رو، آسیب شناسی آن نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این آسیب ها را می‌توان درگروه‌هایی چند، از جمله فکری و رفتاری در دو قلمرو فردی و اجتماعی جای داد. نفهمیدن درست بایستگی نیاز به حجت الهی، برداشت ناروا از مفاهیم غیبت و انتظار، آمیختن نشانه های ظهور با شرایط آن، پندار نادرست زمینه سازی ظهور از راه گسترش بیدادگری و فساد، زمان بندی ظهور، برابرسازی نشانه ها برافراد، طرح مباحث غیرضروری، کم کاری انسان‌های مسؤول در ارائه آموزه‌های وابسته به ظهور و...از دسته نخست، هرج و مرج زایی و اختلافات تند، شتاب ورزی در موضوع ظهور، آشکارشدن مدعیان دروغین مهدویت، ادعای دیدار با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، بروز سستی و بی‌مسؤولیتی در جامعه منتظر، نمادگرایی افراطی، پیدایش انگیزه‌های غیرانسانی در پیوندهای اجتماعی، ناهمسانی آگاهی‌های منتظران با شرایط کنونی، ابهام در آثار روانی

مهـدویت، انتظار رهایی بخش بـدون اقـدام به دگر گونی اوضاع جامعه، بی تفاوتی منتظران در باره زمینه سازی، پیروی نکردن از نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، روشن نکردن دشواری‌های نبود امام و... از دسته دوم به شمار می‌آیند.

گفتنی است آسـیب‌های یاد شـده، پیامـدهایی همچون فاصـله گیری از آرمان‌های امام، کنار نهادن بایسـته‌های انتظار، ناامیدی اجتمـاع و... را در پی دارد. برون‌رفت از آن‌هـا نیز به عوامـل درونی و بیرونی، ماننـد فراموش نکردن ولا‌یت الهی ومعصومـان علیهم السـلام، غنای فرهنگی، فزونی آگاهی‌ها و زدودن شبهه‌ها وابسته است. به یقین، کسب آگاهی و شناخت از پیش گویی هـای معصومان: در باب آسـیب های زمان غیبت، باعث درک بهتر و عمیق تر جامعه منتظرمی شود تا مردم، از شـرور، در امان بمانند.

پیش گفتار

باور به آشکار شدن شخصیت رهاکننده انسان‌ها از زنجیره ستم وبیداد، پیشینه‌ای شاید به درازای عمر بشریت دارد. این اندیشه، همواره آماج آسیب‌هایی نیز بوده است. نخست باید به نارسایی‌های فرهنگی و اعتقادی جامعه منتظر به عنوان ریشه همه آسیب‌های مزبور اشاره کرد. از چنین ریشه‌ای، شاخه‌هایی چون رویش خزه‌وار گروه‌های مدعیان عرفان‌های دروغین و دراویش سرزده‌است. امیدزدایی هم از دیگر موارد قابل اشاره در این راستا است؛ به همین دلیل دشمنان اسلام، نظریه هایی از جمله «پایان تاریخ» و«جنگ تمدن‌ها» را به منظور انحراف افکار عمومی مطرح می کنند.

رواج اندیشه پلورالیسم(۱) دینی یا حقانیت همه ادیان، از سوی نظریه پردازان غربی نیز به دلیل تردیدزایی در زیرساخت‌های اعتقادی اسلام، می‌تواند در ردیف آسیب‌های یادشده جای گیرد.

۱- Pluralism

رویکرد«مهدی نوعی»واینکهاین‌شخصیت‌حتماً فرد شناخته شده‌ای نمی‌باشد نیز،گام دیگری درایجادآسیب است.

پیونـد نادرست میان سـنت و مدرنیته نیز از دیگر آفت‌های این پدیده زیبای اسـلامی است؛ چرا که گاه به دلیل در پی داشـتن خود باختگی‌های فرهنگی در برابر تمدن و اندیشه‌های بیگانه، مفهوم انتظار را که ساحتی سنتی دارد، به حاشیه می‌راند.

اعتقـاد به حکومت عـدل الهی حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف و طرد و انکار هر نوع حکومتی پیش از ظهور، سبب نوعی انحصارگرایی در بعد سیاسی می شود و در نتیجه هیچ گونه تلاشی برای اصلاح امور و تشکیل حکومت عادلانه و اجرای احکـام الهی صورت نمی گیرد. چنین ایـده ای انسـان را به گوشه نشـینی و انزوا طلبی می کشانـد یـا به تمکین هرگونه حکومت طاغوتی و ستمکار منجر می شود.

در پدیده انتظار، سه عنصر وظیفه، نقش و کار نهفته است.(۱)بر اساس تیپ شناسی

۱- نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ص۱۴۴.

گروه های اجتماعی نظریه کارکردگرایی، فقط مؤمنان و شیعیان واقعی که همسو با ثقلین حرکت کرده و هرگز از آن ها جدا نشده اند، دارای کارکردهای آشکار و مثبت انتظار هستند.

با توجه به منابع تاریخی و اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع اسلامی و با توجه به نوع نگرش و برخورد با مسأله انتظار، می توان آسیب های اجتماعی گوناگونی را شناسایی کرد.

بعضی از گروه های آسیب، در واقع اعتقاد به منجی و فرهنگ انتظار را که در فرهنگ دینی ما پذیرفته شده است، قبول ندارند؛ اما هدف و وسیله دیگری جایگزین آن کرده اند. آنان برای رسیدن به مقاصد خود و کسب پایگاهی مردمی به عوام... فریبی دست زده، ادعای مهدویت کرده اند. حمایت قدرت های استکباری نیز در اغلب اوقات، قابل مشاهده است که با این اوصاف باید با این منجیان دروغین مقابله کرد و آنان را به جامعه اسلامی شناساند.

ص: ۱۱

کلیات

اشاره

آسیب شناسی

بر اساس تعریف فرهنگ پیشرفته آکسفورد، آسیب شناسی(۱)، مطالعه علمی آسیب ها، بیماری ها و اختلالات است. آسیب شناسی، موقعیتی و یا حالتی زیست شناختی است که در آن یک ارگانیزم از عملکرد صحیح و یا مناسب منع شده است.(۲) امروزه، اصطلاح «آسیب شناسی» به عنوان معادل دقیق واژه انگلیسی خود یعنی Pathology به کار می رود. Patho به مفهوم بیماری و آسیب است که به هر وضعیت غیرعادی در بدن یا روان می گویند که باعث ناراحتی، سوءکارکرد

۱- Pathology

۲- آسیب شناسی توسعه ی فرهنگ دینی، ص۳۷-۳۶.

یا تنش در فرد مبتلا یا افراد در ارتباط با فرد مبتلا می گردد.(۱)

آسیب شناسی در همه رشته های علوم، اعم از کاربردی و انتزاعی، پایه و غیرپایه، تجربی و طبیعی، انسانی و غیرانسانی، و به ویژه در روان شناسی و تعلیم و تربیت کاربرد خاص خود را دارد. هدف اصلی از چنین مطالعاتی، تکمیل و تأمین فرآیندهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب ها است.

آسیب شناسی دینی

آسیب شناسی دینی(۲) اصطلاح جدیدی در حوزه اندیشه دینی و به مفهوم شناخت آسیب ها و اشکالاتی است که به اعتقادات و باورهای دینی یا به آگاهی و معرفت دینی و علمی در یک جامعه دینی وارد می شود یا ممکن است وارد بشود. بر این اساس، شاید بتوان بررسی و شناخت اموری که با اصل دین و معرفت دینی درتضاد است را به عنوان

۱- ر.ک: «دانش نامه ویکی پدیا فارسی»، ویکی پدیا، نام پایگاه اینترنتی است که جیمی ولز درسال۲۰۰۱م بنیان گذاری کرد (www.wikipedia.org).

۲- Religious Pathology.

عاملی که اساس دین را نشانه‌رفته و به آن ضربه می زند آسیب شناسی دینی به معنای اخص کلمه نامید و در مقابل، بر فرآیند شناخت مفاهیم و نگرش هایی که به عمل غیردینی دینداران منجر می شود، آسیب شناسی نگرشی (معرفت دینی) نام نهاد. قابل تذکر است که آسیب های دینی می تواند عوامل و منشأهای گوناگون داشته باشد؛ ولی مجموع آن ها در دو بعد ظهور می‌یابد: بُعد اول مربوط به عقاید و معرفت دین شناسان یا مدعیان دین شناسی و بعد دیگر مربوط به عمل و رفتار دینداران و متظاهران به دینداری است.(۱)

از این رو وجوه گوناگونی ازآسیب های دین و دین داری بروزمی یابد که به عنوان نمونه می توان ازاین موارد نام برد: عدم فهم عمیق دین و سلوک دینی، دریافت نادرست مفاهیم دینی، ضعیف شدن باورها و رفتارهای دینی، سست‌شدن‌بنیادهای... اخلاقی، بی‌ارزش‌شدن ارزش های دینی، بی اعتقادی به دین و امور

۱- ر.ک: دژکام، علی، مقاله استاد مطهری و نسبیت معرفت دینی، مجله نقد، ص ۲۳۳-۲۲۰.

مذهبی، بی ایمانی، اباحی گری مذهبی، گریز از امور دینی و مذهبی و ظهور و بروز بدعت ها.

آسیب شناسی مهدویت

گاه به مسامحه و یا اشتباه، وقتی سخن از آسیب شناسی مهدویت به میان می آید، ممکن است برداشت شود که اساساً آموزه مهدویت و اندیشه نجات بخشی موعود اسلام که ریشه در قرآن(۱) و روایات قطعی اسلامی(۲) دارد، دچار آسیب است.درحالی که وقتی از آسیب های مهدویت و آسیب شناسی آن سخن می گوییم، به تفاسیر غلطی که از این آموزه به وجود آمده و یا خرافاتی که در اذهان مردم نسبت به این حقیقت ایجاد شده است نظر داریم وگرنه اصل و اساس این بحث جزو

۱- کتاب المحجه فی ما نزل فی القائم الحجه نوشته علامه سیدهاشم حسینی بحرانی که توسط سیدمهدی حائری قزوینی به نام سیمای حضرت مهدی در قرآن ترجمه شده است، مجموعه کاملی از آیات قرآنی را معرفی می کند که به بحث مهدویت مربوط می شود.

۲- مجموعه هشت جلدی معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوره کاملی از روایات اسلامی پیرامون مهدویت می باشد که توسط مؤسسه المعارف الاسلامیه، مسجد مقدس جمکران به چاپ رسیده است.

حقیقی ترین و اساسی ترین بنیان های زندگی بشر به شمار می رود.

فصل اول: آسیب شناسی جامعه منتظر

اشاره

این بخش، عهده دار پاسخ به دو سؤال اساسی است. اینکه در متون و منابع اسلامی برای جامعه منتظر امام غایب، آسیبی ذکر شده است؟ با فرض ذکر این آسیب ها، مهم ترین آن ها در این عرصه چیست و به چه مواردی اشاره شده است؟ علاوه بر این، چه آسیب هایی در باره روایات و آموزه های مربوط به انتظار ظهور امام به وجود آمده که به انحراف در برداشت ها و تفاسیر از آن ها انجامیده است؟

برای یافتن پاسخ این سؤالات و بررسی روایات مهدویت، کتاب های: کافی،غیبت‌نعمانی،کمال الدینشیخ صدوق وغیبت شیخ طوسی، به‌عنوان منابع اصلی ومجلدات ۵۱ تا ۵۳ کتاب بحارلانوار،که به تبویب همان روایات

کتب اصلی پرداخته است، منبع درجه دوم به شمار می آید.

این آسیب ها، در دو بخش آسیب های فکری و اعتقادی، و آسیب‌های هنجاری و رفتاری دسته بندی شده اند که در ادامه می آیند.

۱. مفهوم شناسی جامعه منتظر

جامعه منتظر، جامعه‌ای آرمانی است که می تواند زمینه ساز دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد؛ پس باید ویژگی هایی متناسب و منطبق بر فرآیندِ زمینه سازی، داشته باشد و براساس آن، برنامه ریزی و اقدام کند.

استاد شهید مطهری در توضیح معنای انتظار و بررسی ریشه قرآنی و روایی آن بیان مبسوطی دارد که خلاصه آن، چنین است:

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی و... به وسیله شخصیتی مقدس و عالیقدر که در روایات متواتر اسلامی از او به «مهدی» تعبیر شده است اندیشه ای است که کم و بیش، همه فرق و مذاهب اسلامی بدان مؤمن و معتقدند؛ زیرا این اندیشه، به حسب اصل و ریشه قرآنی است. این اندیشه،

بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است.

امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی انسانی، در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» خوانده شده و عبادت _ بلکه افضل عبادات _ شمرده شده است. اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن، اصل «حرمت یأس از رَوح الله» است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده گرایی نمی گردند. (۱)

بنابرآنچه گفته شد، در معنای لغوی انتظار، آینده نگری نهفته است و در فرهنگ دینی، انتظار به معنای توقع پیروزی صالحان و حاکمیت خوبان در آینده جهان است؛ پس می توانیم نتیجه بگیریم مراد از جامعه منتظر، جامعه ای است که در سیر تاریخی و حرکت اجتماعی خود، چشم اندازی روشن را می بیند که در آن، به تمام خواسته های انسانی و ایده های دینی خود خواهد رسید و از متن قرآن و

۱- قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص۵_۷.

روایات برخاسته و شکل می گیرد؛ ولی شکل تکامل یافته جامعه اسلامی و شیعی است.

۲. آسیب های فکری و اعتقادی

۲_۱. عدم درک صحیح از اضطرار به حجت

با نگاهی گذرا به تاریخ پیامبران و اوصیای آنان، به خوبی روشن می شود که بسیاری از افراد به دلیل نا آگاهی و عدم درك صحیح از اضطرار به حجت، همانند مهربانی، منطق، حکمت و دیگر آثار حضور و قیام آن حضرت، نه از سر عناد و لجاجت، بلکه به دلیل عدم درك، با او به دشمنی پرداختند؛ یعنی به دلیل عدم شناخت جایگاه حضرت و حل نشدن مسأله اضطرار به حجت، به دشمنی بر می خیزند. در همین رابطه حضرت علی علیه السلام فرمود:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غیبتی خواهد داشت که جاهل گوید: « به آل محمد: نیازی نیست». (۱)

جایگزین کردن تجربه دینی وعقل، ابزاری به جای وحی، همه و همه از این توهم سر

۱- ۲. غیبت طوسی،، فصل ۵، ص ۳۴۱.

چشـمه می گیرد. البتـه این عـدم درک صـحیح از اضـطرار به حجت، بیشـتر به سـبب تعجب بی جـا است که از شـنیدن حق و پذیرفتن آن، امتناع می ورزند.

۲_۲. برداشت انحرافی از مفهوم غیبت

مسأله غیبت امام دوازدهم شـیعیان از زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مطرح بوده و به وسیله خود آن حضرت بارها و بارها به تعابیر مختلف بیان شده است؛

وضـعیت و ماهیت این غیبت در روایات، به تصویر کشـیده شده است؛ از جمله امیرالمؤمنین علیه السـلام ضمن خبردادن از فتنه غیبت و شرایط سخت آن، به وضعیت حضور امام غایب و رابطه او با مردمان اشاره می کند:

او کسی است که مردم را می شناسد؛ اما شناخته نمی شود و از آنجا که زمین از حجت خدا خالی نیست، خداوند به دلیل ظلم و گنـاه و اسـراف مردم بر خودشـان، آنهـا را در بـاره او نابینـا سـاخته است. نیز وضـعیت او به ماننـد وضـعیت یوسف نسـبت به برادران او است. (۱)

همچنین از دو نوع این غیبت سخن به

۱- غیبت نعمانی، ص۱۴۲.

میان آمده و بر همین اساس غیبت صغرا و غیبت کبرا برای امام غایب درنظر گرفته شده است. (۱)

امـا آسـیبی که در این میـان امکـان بروز می یابـد، فرض کنـاره گیری امام از جامعه انسانی و انفعال او در برابر مردم است. در چنین فضـایی ممکن است تصـور شـود امـام به جغرافیـای دیگری از عـوالم مهـاجرت کرده است و هنگـام ظهـور، از آن عـالم مراجعت می کنـد که خیـال بـافی هـایی از این دست با آنچه در روایات و آموزه های اسـلامی درباره غیبت و ماهیت آن ذکر شده است، در تغایر می باشد.

مکتب شیخیه که در اوایل قرن سیزدهم به وسیله احمد بن زین الدین معروف به «شیخ احمد احسایی» (۱۱۶۶ _ ۱۲۴۱ق) پدید آمـد، نمونه ای از این جریانـات انحرافی بود که در نهـایت به شـکل گیری بابیت و بهائیت انجامیـد. معتقـد بود امام زمان علیه السلام با بدنی غیر عنصری و تنها هور قلیایی و در شهر جابلقا و جابلسا زندگی می کند.

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

با بررسی اعتقادات این جریان فکری،گویای بطلان آن نزد علمای امامیه است و طبق نصوص قطعی، مهدی موعود علیه السلام در همین عـالم خـاکی و در بـدن عنصـری است و به زنـدگی طبیعی خود به حفظ الهی، ادامه حیات می دهـد؛ تا آنکه مشـیت خداوند بر قیام و ظهور او تعلّق گیرد.

در حقیقت، اعتقاد به حیات امام زمان علیه السـلام با بدن هورقلیایی، به معنای انکار حیات مادی امام زمان علیه السلام بر روی این زمین است. و حیـات او مثـل حیـات مردگـان، در عـالم برزخ است که هیـچ مبنای روایی و مسـتند دینی نداشـته، با روایات معروف و اصـیلی که اسـتمرار زنـدگی زمین و هستی را منوط به حضور حجت خـدا در آن می داند(۱) به هیچ روی، سازگار نیست.

همچنین در روایت دیگری که کیفیت حضور ایشان در عصر غیبت را توضیح می دهد، چنین آمده است:

صاحب الامر، میان مردم رفت و آمد می کند، به

۱- کافی، ج۱، ص۱۷۹، باب ان الارض لاتخلو من حجه، چهار روایت پایانی اشاره به همین مضمون دارد.

بازارهایشان می رود و بر فرش هایشان قدم می نهد؛ ولی او را نمی شناسند. (۱)

۳_۲. برداشت انحرافی از مفهوم انتظار

از مفاهیمی که برداشت های مختلفی از آن در ادبیات و آموزه های مهدوی مطرح شده است، انتظار ظهور و فرج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. به واسطه همین تعدد برداشت ها و اختلاف تفاسیر، امکان بروز آسیب دیگری برای افراد و جامعه منتظر به وجود می آید که در آن، مفهوم انتظار از معنای اصلی خود تهی شده و معنای دیگری درک و فهم می گردد.

انتظار، از یک سو به معنای چشم به راه بودن، امید به آینده داشتن و آماده شدن است و از سوی دیگر به درنگ در امور، نگهبانی و مراقب بودن و استقامت ورزیدن اشاره دارد؛ به عبارت دیگر، انتظار(۲) در وجهی از معنای خود به توقف، تلوّم و تلبُّث می رسد و با مهمل گذاردن، مترادف می گردد و در وجه دیگری از معنا به تهیأ، توقع، تجهیز و

۱- غیبت نعمانی، ص۱۶۴.
۲- التَّنَظُّرُ: تَوَقَّع الشی ء _ ابن سیده: و التَّنَظُّرُ تَوَقُّعُ ما تَنْتَظِرُهُ. (لسان العرب، ج۵، ص۲۱۸)

آماده باش دلالت می کند. این دو معنا، در روایات نیز به چشم می خورند.

دسته ای دیگر از روایات به جست و جوی امر ظهور و توقع آن در نزدیکی اشاره داشته و شیعیان را به توقع امر فرج ترغیب می کند. نیز آنان را از بی توجهی و بی مبالاتی در باره امر ظهور و آمادگی نسبت به آن برحذر داشته و این امر را مورد غضب خداوند تلقی کرده اند.(۱)

دو معنای سلبی و ایجابی درباره انتظار، به دو گونه تفسیر و برداشت از آن انجامیده است که بیش از بعد فردی، به ایجاد تفاوت هایی در ابعاد اجتماعی انتظار انجامیده است.

گروهی که انتظار را به معنای صبر و تحمل روزگار غیبت دانسته، روی خوشی به حرکت های اصلاحی و ایجابی نشان نمی دهند، با تمسک به روایاتی که بر افراشته شدن هرگونه قیام و پرچمی را قبل از ظهور امام محکوم و باطل می دانند و(۲) تلاش برای برپایی حکومت اسلامی در عصر غیبت را

۱- بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۴.

۲- غیبت نعمانی، ص ۱۱۵.

برنتافته، این مسأله را جزء شؤون امام می دانند و به زمان ظهور ایشان موکول می کنند.

آنچه در این رابطه از روایات اسلامی برداشت می شود، گویای آن است که انتظار، یک عمل و یک اقدام است:« أفضل أعمال شیعتنا انتظار الفرج »(۱) و صرفاً به یک حالت روحی و روانی محدود نمی شود؛ از این رو فروکاستن انتظار به وضعیتی منفعلانه که با نفی هر گونه اصلاح و تغییر همراه باشد، با روح این آموزه که می باید در عمل محقق شود، منافات دارد.

سنت های الهی و تجربه های امت های پیشین در رابطه با انتظار موعود، گویای آن است که در صورت تسلیم اراده مؤمنان و منتظران برابر خواست خدا و استقبال از آن، امر ظهور، نزدیک تر شده و شدت و محنت غیبت از بین می رود. (۲)

از این‌رو درمسأله انتظار، روایاتی که به تأمل، صبر و اعراض از امور ایجابی اشاره

۱- کمال الدین، ج۲، ص۳۷۷.

۲- مستدرک الوسائل، ج۵، ص۲۲۴.

دارنـد، در مقام انـذار و هشـدار درباره اراده الهی هسـتند. در طرف مقابل، دسـته ای دیگر از روایات که به توقّع و تهیأ و زمینه سـازی مربوط می شونـد و بر ابعـاد ایجـابی انتظـار تأکیـد می کننـد، به حوزه اراده انسانی مربوط می شونـد و گویای این مهم هسـتند که خواست خداونـد بر غیبت امام تعلق گرفته است؛ اما انسان های مؤمن می باید با حفظ اعتقاد صـحیح خود و رعایت ورع، به انجام واجبات و ترک محرمات فردی و اجتماعی بپردازند و از زیر بار این مسؤولیت بزرگ شانه خالی نکنند.

همچنین دربـاره روایـاتی که به نهی از قیـام قبـل از ظهور امام، اشاره می کننـد، با مطالعه روایت: «کل رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت»(۱) مشـخص می شود که منظور، پرچم ها و قیام هایی است که ادعای امامت و مهدویت دارند، نه آن ها که به زمینه سازی برای ظهور و حکومت معصوم دعوت می کنند؛(۲)

۱- غیبت نعمانی، ص ۳۱.

۲- برای مثال، فصل پنجم از کتاب غیبت نعمانی تحت عنوان«باب ما روی فیمن ادعی الإمامه و من زعم أنه إمام و لیس بإمام و أن کـل رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت» باب بنـدی شـده است و در ضـمن روایاتی که به مجازات مـدعیان دروغین امامت اشاره می کند، روایات مربوط به برافراشتن پرچم ها قبل از قیام قائم نیز آورده می شود.

۴ _۲. آمیختگی نشانه‌های ظهور با شرایط ظهور

ظهور امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف شـرایط و نشانه هایی دارد که از آن ها به عنوان زمینه های ظهور و علایم آن یـاد می شود. تفـاوت این دو آن است که زمینه هـا در تحقق ظهور، تـأثیر واقعی دارنـد؛ به گونه‌ای که بـا فراهم شـدن آن هـا، ظهور امام اتفاق می‌افتد ؛ ولی علایم در وقوع ظهور نقشـی ندارند؛ بلکه تنها نشانه هایی هسـتند که به وسیله آن ها می توان به اصل ظهور یا نزدیک شدن آن پی برد.

یکی از آسـیب هـای فکری در جـامعه منتظر، خلط میان این دو مقوله است؛ یعنی امت منتظر دچار برداشت غلط می‌شونـد و به جـای فراهم کردن شـرایط و زمینه هـای ظهور، به دنبـال پی گیری علاـیم ظهور می باشـند، درحـالی که بر اساس تعالیم قرآن و پیشوایان معصوم:، سنت الهی بر این قرار گرفته که امور عالم از مجرای طبیعی و علل و

اسباب عادی انجام گیرد. (۱)

بنـا براین جـامعه منتظر بایـد زمینه هـای ظهور را بشـناسد و در راه تحقق آن، گـام بر دارد؛ نه این‌که وقت خود را صـرف پیـدا کردن تعدادی از حوادث کنند؛ مانند: خروج سـفیانی، خسف بیداء، خروج یمانی، صـیحه آسـمانی، دجّال، قتل نفس زکیه که هیچ نقشی در وقوع ظهور ندارند؛ لذا میان شرایط و علایم، فرق های زیادی وجود دارد.

۵ _۲. زمینه سازی از راه گسترش ظلم و فساد

در ادامه برداشت غلط از مفهوم انتظار، شـبهه دیگری امکان بروز می یابد که ناشـی از همان بی دقتی و انحراف از اصل انتظار است؛

این گزاره که «ظهور امام موعود با اصـلاح جهان از فسادها و ظلم ها همراه خواهـد بود و پایان این تباهی ها و نابهنجاری ها به دست ایشان رقم خواهد خورد» سـبب شده است برخی گمان برند، قبل از ظهور ایشان هر تلاش و کوششـی برای اصلاح امور بی نتیجه

۱- امام صادق ع فرمودند: «یأبی الله الا اَنِ تجری الامور باسـبابها» خداوند امتناع دارد. از اینکه امور اجز از راه اسباب آن فراهم آورد.» شرح اصول کافی، ج۳، ص۱۷۸.

بـوده و نسـبت به این گونه مسایـل حساسـیتی ابراز ندارنـد. این بی توجهی سـبب به وجود آمـدن این ذهنیت شـده که منتظران ظهور امـام برابر تبـاهی هـا و ناهنجـاری های پیش‌آمـده در عصـر غیبت و فتنه های آخرالزمان، وظیفه ای ندارنـد و این رویه تا آنجـا ادامه یـافته که شـایعه ای مبنی بر ترغیب به ترویـج بـدی ها و زشتی ها، برای ایجاد زمینه ظهور موعود، از سوی عـده ای افراد جاهل و منحرف شنیده شده است.

در واقع، اینکه ظهور حضـرت پس از پرشـدن دنیـا از ظلم و جور است، بـا عملکرد منتظران ارتبـاط منطقی نـدارد و به نظر می رسـد نوعی مغالطه در این میان به وجود آمـده است؛ به عبارت دیگر ظهور حضـرت پس از پرشـدن عالم از ظلم و جور است؛ اما عکس این گزاره صحیح نیست و نمی توان معتقد شد راه تحقق ظهور امام، گسترش ظلم و جور می باشد و بر این اساس با ترویج ظلم و فساد، به استقبال ظهور شتافت.

بر این اساس، تفسیری که درباره بی تفاوتی در میان شیوع ظلم و فساد و یا کمک به ترویج آن شکل گرفته است، از این

پنـدار ناشـی شـده که شـیوع ظلم، علتِ ظهور و نه نشانه آن است؛ حال آنکه علّت ظهور به فراهم شدن مقدمات و از بین رفتن موانع این واقعه مبارک مربوط می شود و به طور کلی در اختیار و در گرو اراده پروردگار است.

برای توضـیح تفاوت نشانه‌ها وشـرایط (علل)ظهورامام مهـدی علیه السـلام،می توان از یک تمثیل بهره برد. فرض کنید در یک ایستگاه قطار، تابلویی درست کرده اند که چند دقیقه قبل از ورود هر قطار به ایستگاه، آمدن آن را اعلام می کند و البته بعد از این اعلام، قطار به ایسـتگاه وارد می شود. این اعلام، علامت آمـدن قطار است و نه علت آمـدن آن و اگر ما بخواهیم به آمدن قطـار کمـک کنیم، بایـد به موتور محرک آن و از بین بردن موانعی که در مسـیر آن وجود دارد و نه به دست کاری کردن در تابلوی مذکور بیندیشیم.

دیگر اینکه بر فرض، ظهور امام از طریق گسترش ظلم و فساد،اولاً چه تفاوتی میان به اصطلاح منتظران و افراد آلوده به معاصی و مظـالم وجود خواهـد داشت؟وثانیاً امـام بـا افرادی که در سـیاهی ها و ظلمت های عصـر غیبت مشارکت جسـته انـد، چگونه برخورد خواهد کرد؟

آموزه هـای قرآنی بر این مطلب اشـاره دارنـد که جریـان مقـابله بـا ظلم و طـاغوت می بایـد توسط خود انسان ها انجام پـذیرد. «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، (۱) و این آن ها هسـتند که باید برابر ظلم بایسـتند؛ ولی جریان اصلاح نهایی و ریشه ای و فراگیر ظلم و ستم در هستی، تنها به دست امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد.

۶_۲. توقیت

از آسـیب هایی که به طور جـدی افراد و جوامع منتظر را تهدیـد می کنـد و صـریحاً در روایات اهل بیت: به آن اشاره شـده، « توقیت» است. این مفهوم از نظر لغوی به معنـای مشـخص کردن زمان و محـدود نمودن آن برای یک شـیء می باشـد(۲) و در اصطلاح به تعیین زمان ظهور امام غایب گفته می شود.

۱- لَقَـدْ أَرْسَـلْنَا رُسُـلَنَا بِالْبَيِّنَـاتِ وَأَنْزَلْنـا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيـدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيـدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. (سوره حدید(۵۷): ۲۵).

۲- فـالتَّوْقِيتُ و التَّأْقِيتُ: أَن يُجْعَـل للشـی ءِ وَقْتٌ يختص به، و هو بيانُ مقـدار المُـدَّه.(لسان العرب، ج۲، ص۱۰۷) ـ و التَّوْقيت: تحديدُ الأَوقات.(لسان العرب، ج۲، ص۱۰۸).

پیش تر گفتیم که زمان ظهور امام مشخص نیست و علم آن تنها در اختیار خداوند متعال است. آسیبی که در مسأله توقیت نهفته است، همچون برداشت انحرافی از انتظار، به خلط و دخالت اراده الهی و اراده انسانی مربوط می شود. در واقع، همان گونه که رقم خوردن وضعیت غیبت به اراده الهی مربوط می شود هنگامه قیام و ظهور حضرت صاحب علیه السلام نیز تنها بر اساس اراده الهی مشخص شده و به صورت ناگهانی و دفعی به وقوع خواهد پیوست. (۱)

بی زمانی و دفعی بودن زمان ظهور، به طور صریح در روایات ذکر شده است که در قالب انتظار صبح و شام از آن یاد شده(۲) است. نیز در ادعیه ای که در باب فرج و انتظار موعود وارد شده، به مانند هنگامه قیامت و مشابه با

۱- قابل توجه است که در روایات معصومان این چنین آمده که زمان وقوع امر فرج برای امامان معلوم بوده است که با تغییر آن و حصول بداء در این باره، زمان دیگری برای ایشان مشخص نشده و علم آن تنها در اختیار خداوند است. (کافی، ج۱، ص۳۶۸).

۲- غیبت نعمانی، ص۱۵۹.

آن، اشاره شده است. (۱) در این راستا، واکنش صحیح این است که برابر اراده الهی تسلیم بوده و به جای سعی در دخالت و تغییر مقدرات پروردگار به وظایف خود مشغول شد و در مسیر فهم و به کار بستن اوامر و دستورات خداوند قرار گرفت.

هنگامی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلامدر باره قائم سوال می کند، امام در پاسخ می فرماید:

تعیین کنندگان وقت دروغگو هستند و ما خاندانی هستیم که تعیین وقت نمی کنیم. (۲)

علاوه بر این، معصومان: امر فرموده اند که هر کس چنین نسبتی به آنان روا داشت، تکذیب شود. (۳) ایشان ضمن خودداری از تعیین وقت، امر ظهور را موکول به زمانی دانسته اند که نشانه هایی پدیدار شود و از این رو باب توقیت و تحدید زمان را بسته اند. (۴)

۱- مصباح کفعمی، ص۱۷۷.

۲- کافی، ج۱، ص۳۶۸.

۳- غیبت نعمانی، ص۲۸۹.

۴- غیبت نعمانی، ص۲۹۰.

در نگاهی دیگر اساساً توقیت، هیچ گاه به نتیجه نخواهد رسید؛ چرا که تعیین کنندگان وقت ظهور، سعی در مشارکت در علم الهی را دارند. از سوی دیگر، خداوند از طریق تغییر در زمان هایی که توسط مردم مشخص می شوند و توقع وقوع امر پروردگار در آن ها بیشتر است، به آزمایش ایشان می پردازد و زمان تعیین شده را تغییر می دهد. (۱)

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: هنگامی که حضرت موسی علیه السلام برای پیغام بردن نزد پروردگار خود رفت، قوم خود را به سی روز وعده داد و چون خداوند ده روز بر این ایام افزود، قوم او گفتند: «موسی با ما خلف وعده کرد» و از این رو به انحراف گراییدند. پس از ذکر این مطلب، امام باقرعلیه السلام فرمود:

اگر ما به شما خبری دادیم و طبق گفته ما شد، بگویید خدا راست فرموده است و اگر به شما

۱- کافی، ج۱، ص۳۶۸؛ غیبت نعمانی، ص۲۹۰. بر این اساس بداء صورت می گیرد و زمان واقعی یک امر به آگاهی بندگان نمی رسد تا با رسیدن به آن زمان و عدم وقوع آن امر، مردمان آزمایش شده و مؤمنان از کافران جدا شوند.

خبری گفتیم و برخلاف گفته ما واقع شد، بگویید خدا راست فرموده تا دو پاداش گیرید. (۱)

مشاهده می شود که امام معصوم، ضمن این بیان به اراده الهی و نحوه رویارویی با انکشاف این اراده، اشاره فرموده اند.

توقیت در زمان غیبت امام غایب هیچ ثمره مفیدی نخواهد داشت و در نهایت به هلاکت شخص وقت گذار منتهی می شود و با گذشت زمان، تکذیب آنان را همراه خواهد داشت. در روایات نیز آمده است غیبت، به حیرت جاهلان، هلاکت مبطلان و تکذیب وقّاتون می انجامد(۲).

کمترین اثر توقیت، بروز احساس ناامیدی برای کسانی است که این وعده های دروغین را باور کرده ولی خلاف آن را مشاهده کرده اند.

۷_۲. تطبیق

تطبیق یعنی‌مطابقت دادن نشانه های ظهور بر وضعیت هر زمان؛ به این معنا که

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰.

عـده ای با خوانـدن یا شـنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن ها را بر افراد یا حوادثی خاص تطبیق می دهند، بدون تشـخیص صحیـح بودن آن ها و بدون بررسـی آیات و روایات دیگر. با اینکه در روایات، تشـخیص نشانه‌ها وعلایم سپاه حق و باطل، به عهده علمای راستین گذاشته شده است؛ همان‌ها که درعصر غیبت کبرا به عنوان نواب عام، عهده دار امور گشتند.

متأسفانه در زمان ما، هر از چنـد گاه، به بهانه ایجاد شوق ظهور، موجی انحرافی فضای فکری و رفتاری مردم را دچار تشویش کرده، با ایجاد برخی انتظارات و توقعات کاذب، آسیب جدی به جامعه منتظر می‌زند.

مباحث مهـدویت، ماننـد دیگر معارف دینی، از پشـتوانه عقلی و نقلی برخوردار است وکسـی در نقل روایات حق نـدارد بدون توجه به ضـعف سـند و اشکال در محتوا ومتن حدیث، آن را دستمایه حرف‌های خود قرار داده و نشانه‌های ظهور را]بدون در نظر گرفتن نشانه‌های حتمی‌و غیر حتمی[برافراد مختلف وحوادث زمان تطبیق دهد.

به نقل روزنامه جمهوری اسلامی، کتاب

دهه ظهور در سه هزار نسخه در سال ۸۴ ش نوشته شده و مجوز چاپ می گیرد. در آن کتاب، سید حسنی، سید خراسانی، یمانی وسفیانی بر افراد مختلف تطبیق داده می‌شود وگفته می‌شود که تا پایان دهه (۸۰) امام ظهور خواهد کرد. دهه ۸۰ به پایان رسید ودهه ۹۰ شروع شده است. اکنون نویسنده آن کتاب چه پاسخی برای مردم دارد؟ تکلیف باورها واعتقادات مردم چه می‌شود؟ شخص دیگری در تریبون عمومی به صراحت به مردم خطاب می کند: «شما را به خدا قسم! وقتی خدمت آقا مشرّف می‌شوید سلام ما را هم به ایشان برسانید». این، مصداق بارز جنگ نرم است؛ جنگ نرم، جنگی است که ریشه اعتقادات را سست می کند و مقوله مهم و بزرگ وسرنوشت سازی مانند اعتقاد به وجود مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را تا این اندازه کوچک و سست جلوه می‌دهد و راه را برای دشمنان دین باز می کند. (۱)

بار دیگر فیلم یک‌ساعت وپانزده دقیقه‌ای

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره۹۱۵۵، سال سی‌ودوم، شنبه۲۷فروردین ۱۳۹۰.سرمقاله «جنگ نرم این است».

تهیه می‌شود وبه صورت لوح فشرده در سطح کشور پخش می‌گردد و برای اثبات اینکه در چند سال آینده ظهور اتفاق می... افتد، نشانه های ظهور را بر افرادی تطبیق می‌کند؛ برای مثال، شعیب بن صالح را در این فیلم، به فردی منطبق می‌کند که قبل از این در طی سی سال بعد از انقلاب اسلامی ایران، بر سه نفر تطبیق داده شده است و معلوم نیست در آینده به چه اشخاصی نسبت داده خواهد شد، در صورتی‌که درباره شعیب بن صالح که به عنوان نشانه ظهور مطرح شده است، حتی یک روایت صحیح و قابل اعتماد به صورت تفصیلی نداریم. آیا طرح این‌گونه سخنان ومباحث غیر ضروری، باعث ناامیدی و بی اعتمادی مردم نمی‌شود؟ تطبیق به عنوان قطع ویقین مشکل است. ما اصولاً منتظرامام هستیم، نه منتظر علامات؛ به خصوص اگر از علایم ونشانه‌های غیر حتمی باشد (یعنی امکان عدم وقوع آن باشد). به یقین این اتفاقات، مصداق بارز حوادث واقعه است که طبق دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید به علما ومراجع رجوع کرد. نظر مبارک آنان، ملاک عمل است و علما هم به اجماع، این‌گونه

مسائل تطبیقی را برای امت اسلام خطری بزرگ دانسته‌اند.

روایاتی که فرمان می دهند مردم در امور گوناگون باید به فقها رجوع کنند، بیانگر این راهکارند که در باره علایم و اشخاص بیان شده در روایات، باید به آنان مراجعه کرد و از تطبیق ناصواب دوری جست.

تطبیق، پیامدهایی چون توقیت و تعجیل دارد. همچنین به دلیل عدم تحقق تطبیق‌های مطرح شده، باعث بی‌اعتقادی افراد به اصل ظهور می گردد و افراد، در اصل ظهور و روایات، به شک و تردید می‌افتند. ریشه ها و زمینه های این آسیب، توهم زدگی، هوا و هوس، دخالت افراد غیر متخصص در مسائل فنی،عدم روشنگری کافی توسط علما، عدم تبیین علایم حتمی و نداشتن واکنش مناسب در مقابل مدعیان می باشد.

۸_۲. طرح مباحث غیرضروری

از آسیب هایی که ممکن است جریان آموزش و ترویج معارف دینی و به طور خاص، آموزه های مهدوی را تحت تأثیر قرار دهد، طرح مباحث و جزئیات غیرضروری و اصرار بر پی جویی آنان است،که پیگیری آن ها نه تنها

سودی نداشته بلکه ممکن‌است به سبب اتلاف وقت‌آسیب زا باشد. (۱)

برای نمونه، پرداختن به مباحثی چون مکان دقیق زندگی امام در عصر غیبت، جزئیات مربوط به ازدواج و خانواده ایشان، و پیگیری جزئیات مربوط به سلاح و ادوات جنگی و شکل و شمایل یاران و دشمنان ایشان و مسایلی از این قبیل، فرهنگ انتظار را از روح اصلی خود که بر اساس معرفت امام و اراده الهی در هدایت تاریخی بشر شکل گرفته است، جدا می سازد.

دامن زدن به چنین مباحثی، باعث می شود آموزه های اصلی فرهنگ مهدوی، رفته رفته در حاشیه قرار گرفته و به سبب جذابیت کاذبی که این مسایل به وجود می‌آورد، آسیب ها و انحرافاتی در سطح جامعه منتظر ایجاد شود. حال آنکه در هیچ روایتی از معصومان علیهم السلام به شناخت این مسایل و اصرار در پرداختن به آن ها اشاره نشده است و بر عکس به لزوم کسب معرفت به امام و ارتقای بصیرت در برابر فتنه ها و شرایطی که

۱- نهج البلاغه، ص۳۹۴؛ بحارالأنوار، ج۱، ص۲۱۹.

در زمان غیبت به وجود آمده، تأکید شده است.

۹ _۲. کوتاهی متولیان در ارائه معارف

ناکامی بشر، از نابالغی او سرچشمه می گیرد و از آن جایی که «لم یُمتثل امرُ رسول الله۶ من الهادین بعد الهادین»(۱)دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دربارۀجانشینانش، یکی پس از دیگری پیروی نکردند. بلکه «والاُمّـهٔ مُصرّةٌ علی مَقته»(۲) و امت به دشمنی با آنان پافشاری ورزیدند. با نگاهی گذرا به مجموع روایات، چالش های چهارگانه «فترت»، «حیرت»، «فتنه» و «یأس» را در عصر غیبت می توان به تأمل و دقت کشانید.

عالمان در عصر غیبت با «دعوت» خویش به مصاف «فترت» می روند و در حد و اندازۀ خود آن را پوشش می دهند و با «دلالت» خویش به مصاف «حیرت ها» می روند و حیرت زدایی می کنند و با «ذبّ و دفاع» به مصاف فتنه ها می روند و گره های کور آن را از

۱- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

ذهن، دل و دست و پای مردم می گشایند، تا امواج طوفان فتنه ها ایشان را در شهوات و شبهات فرو نبرند، و با «انقاذ و نجات» خویش به مصاف «یأس» می روند تا آن ها را از قعر هلاکت برهانند.

لذا وظیفه عالمان در عصر غیبت، ترویج و توسعه معارف مهدویت و گل واژهٔ انتظار است. ضعف و ناکارآمدی روش های انتقال پیام و عدم بهره گیری از ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاع رسانی در جهت فرهنگ سازی مهدویت می تواند در جایگاه یک آسیب، حیات پویای جامعه منتظر را تحت تأثیر قرار دهد؛ از این رو شایسته است متولیان امر شناخت و ترویج فرهنگ مهدوی در این زمینه نیز کوشا بوده، به نوآوری و اصلاح روش های گذشته بپردازند.

۳. آسیب های رفتاری

۱_۳. ایجاد هرج و مرج و بروز اختلافات شدید

عصر غیبت، آنچنان که در روایات اشاره شده است، سرشار از حیرت و سرگردانی است. دلیل عمده این وضعیت به عدم ظهور امام و محرومیت شیعیان از این برکت باز می گردد؛

سختی آزمون غیبت و عمق فتنه هایی که در آن رقم می خورد، در روایات مورد اشاره قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علیه السلامدر ذکری از امام موعود، از آزمونی دشوار و رخدادی غمبار خبر می دهد که در آن، اعتقاد مردمان به امام عصر علیه السلام به مخاطره می افتد؛ آن حضرت می فرماید:

آگاه باشید،... خداوند حتماً مردی از فرزندان مرا در آخرالزمان برمی انگیزد که انتقام خون ما را می ستاند. بی تردید او از میان مردم غایب می شود؛ برای آنکه گمراهان از صف راه یافتگان جدا شوند و این غیبت آن چنان به درازا می کشد که فرد نادان به این باور می رسد که می گوید خداوند]در برپایی دین و استواری آیین[هیچ حاجتی به آل محمد ندارد. (۱)

حیرت و سرگشتگی ناشی از غیبت، به اختلاف و چندپارگی اعتقادات و مذاهب فکری منتج می شود.

این وضعیت ریشه در امتحان و آزمونی دارد که در نتیجه، افراد نیک و بد از یک دیگر جدا شده تا منتظرانی که به راستی در

۱- «نهج البلاغه، »، ص ۱۴۰؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱۲.

مسیر صحیح انتظار قرار گرفته اند از دیگران متمایز گردند.

در روایتی آمده است:«ممکن است انسان در فاصله صبح تا شام یا شب تا بامداد، دین خود را از دست بدهد و از مسیر امر معصوم خارج شود.»(۱)با این توضیح به نظر می رسد شناخت چنین وضعیتی و تلاش برای دور ماندن از آسیب های آن، امر مهمی در حیات جامعه منتظر به شمار آید.

۲_۳. استعجال

از آسیب های جدی دیگر که متوجه جامعه منتظر است، استعجال ظهور می باشد. استعجال از ریشه «ع ج ل» و به معنای عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت و تحقّق زمینه های لازم برای آن است. (۲) انسان های عجول به دلیل ضعف نفس و کم ظرفیت بودن، متانت و سکون و آرامش خود

۱- نهج البلاغه، ص۲۰۷.

۲- عجل: العَجَلُ و العَجَله: السرْعه خلاف البُطْء. لسان العرب، ج۱۱، ص۴۲۵ _ الاسْتِعْجال و الإِعْجال و التَّعَجُّل واحد: بمعنی الاسْتِحْثاث و طَلَبِ العَجَله. استعجلته: طلبت عجلته. (مجمع البحرین، ج۵، ص۴۱۹).

را از دست می دهند و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقّق پدیده ها هستند.

در فرهنگ ناب مهدویت، انسان و جامعه منتظر، پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود و اشتیاق خواستار ظهور است و برای تعجیل امر فرج دعا می کند؛ ولی هرگز عجله نمی کند. هر چه غیبت به درازا کشد و انتظار، طولانی شود باز هم صبر و شکیبایی را از کف نمی دهد؛ بلکه‌در برابر اراده پروردگار و خواست او، کمال تسلیم را از خود نشان می دهد و برای تحقّق همه زمینه های لازم برای ظهور می کوشد و بردباری می کند.

در مقابل، ممکن است عده ای درصدد استعجال برآمده و بی توجه به اراده الهی و مصالح بزرگ تاریخی و جهانی که ظهور موعود به آن ها نظر دارد، خواستار ظهور آن حضرت باشند. نتیجه قطعی چنین رویکردی، بدون شک هلاکت و اضمحلال است. آن چنانکه در روایات اسلامی آمده است، مُتَمنّون و کسانی که در مورد امر خداوند استعجال می ورزند و برابر اراده الهی تسلیم نیستند، پیش از آنکه به مطلوب خود راه یابند و ظهور را درک کنند، هلاک می شوند. در مقابل،

آن ها که اهل صبر و تسلیم بوده و به مرتبه ایمان راه یافته اند _ هرچند گروه کمی را شامل می شوند _ پایدار می مانند. (۱) از این رو استعجال به عنوان یکی از آسیب های جامعه منتظر، در روایات معصومین:مورد نکوهش و تقبیح قرار گرفته است.

امام صادق علیه السلام در پاسخ مهزم اسدی که از زمان وقوع امر ظهور پرسیده بود فرمودند:

ای مهزم! آرزوگرایان، دروغ می گویند و آنان که استعجال می ورزند هلاک می شوند و تسلیم شوندگان نجات می یابند و به سوی ما باز می گردند.(۲)

نهی از عجله و شتاب زدگی در امر ظهور به آن دلیل است که به دنبال عجله، روحیه یأس و نومیدی در انسانِ منتظر پیدا می شود، آرامش و صبوری را از دست می دهد و حالت تسلیم او به حالت گله مندی و شکایت تبدیل می شود و از تأخیر ظهور، بی قرار می گردد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه:اتی اَمْرُ اللَّهِ

۱- غیبت نعمانی، ص۱۹۶.

۲- غیبت نعمانی، ص۹۸.

فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ(۱)؛ «هان امرخدا رسید، پس درآن شتاب مکنید» که حاکی از سنتی الهی است، فرمود: «این همان امر موعود ماست که به استعجال در نمی آید». (۲)

روایات دیگری به راه نجات از استعجال نیز اشاره کرده است. مضمون کلی این روایات، به روح انتظار و ارزش و فضیلت آن باز می گردد. امام صادق : فرمود:

کسی که در این انتظار و بر مسیر آن بمیرد، مانند کسی است که در خیمه امام منتظر بوده باشد. (۳)

۳_۳. ظهور مدعیان دروغین

در زمینه ای که حیرت و سرگشتگی ناشی از غیبت امام آشکار می شود و جغرافیای فکری و فرهنگی، جوامع مسلمانان را در برمی گیرد، زمینه سوءاستفاده برخی افراد سودجو و کم اطلاع فراهم آمده تا با دعوی امامت و مهدویت، افکار و گرایش های پاک مذهبی مردم را به سوی خود جلب کنند و

۱- سوره نحل (۱۶): آیه۱.

۲- غیبت نعمانی، ص۱۹۸.

۳- غیبت نعمانی، ص۱۹۸.

چند زمانی بر مسیر اهداف و مطامع خود پیش روند؛ از این رو شاید بتوان آسیب عمده دیگر جامعه منتظر را گرفتاری در دام مدعیان دروغین مهدویت دانست.

تاریخ اسلام نشانگر آن است که افراد بسیاری به دلیل دستیابی به قدرت و یا به دلیل هدف شخصی خاصی از عنوان مقدس مهدی موعود:سوء استفاده کرده اند. این سوء استفاده از همان قرن اول هجرت آغاز شد و در دوره خلافت عباسیان _از سال ۱۳۲ هجری قمری به بعد _ به اوج خود رسید. البته این موضوع نه تنها به اصل مطلب و قیام با شکوه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آسیبی نمی رساند؛ بلکه بیانگر اصالت و واقعیت و ریشه داری آن در سنت و آموزه های اسلامی است.

جدای از برخی نهضت های جهان اسلام که جنبه حق طلبی داشته و ربطی به مسأله آسیب های اجتماعی سیاسی ندارد _ مانند زید بن علی بن حسین علیه السلام که خود ادعایی نداشت اما پیروان او وی را منجی موعود خواندند وپیروان مختار بن ابن ابی عبیده

ثقفی هم وی را منجی خواندند و همینطور، مهدویت را به محمد بن حنفیه نسبت دادند و مختار را نایب او معرفی کردند _ نوعی از نهضت ها با نام مهدویت پدید آمده اند. از مهم ترین آن ها می توان به نهضت های محمد نفس زکیه، مهدی عباسی (عباسیان)، عبدالله بن میمون، عبیدالله المهدی (فاطمیون)، حسن شریعی، محمد بن نصیر نمیری، احمد بن هلال عبرتائی، محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلاج، محمد بن علی شلمغانی، ابودلف کاتب، محمد بن احمد بغدادی، محمد بن عبدالله تومرت (موحدون)، شیخ شرف الدین (قیام مردم فارس)، سیدمحمد مشعشع (قیام خوزستان)، محمد مهدی سنوسی، محمد احمد سودانی، (مهدیون سودان، محمد بن احمد بن عبدالله سودانی). غلام احمد قادیانی (قادیانیه، احمدیه)،. سیدعلی شیرازی (بابیت)، میرزا حسینعلی بهاء (بهایی گری)، مهدی کُرد و محمد بن عبدالله قحطانی (عربستان) اشاره کرد.

روایات، هرگونه ادعای دروغین مربوط به امامت را محکوم کرده و بنا به مستندات

قرآنی، مجازات سختی برای این امر در نظر گرفته اند. در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه شصت از سوره زمر آمده است که:

مقصود از این افراد دروغ گو، کسی است که گمان برده امام است و حال آنکه چنین نیست.(۱)

بخش دیگری از روایات که به زمان غیبت مربوط می شوند، ظهور هرگونه ادعا مبنی بر امامت و مهدویت را غیرمشروع خوانده و صاحبان این حرکت ها را مشرک یا کافر نامیده است.

توقیع شریفی است که امام عصر علیه السلام در پایان عصر غیبت صغرا به آخرین نائب خود ارسال داشته اند. می فرماید:

کسانی از پیروان ما خواهند آمد که مدعی مشاهده می شوند، آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و وقوع صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند، دروغگو و افترا زننده است. (۲)

۴_۳. ملاقات گرایی

درباره امکان و مطلوبیت دیدار با امام موعود در زمان غیبت کبرا، دو گرایش افراطی

۱- غیبت نعمانی، ص۱۱۲.

۲- غیبت طوسی، ص۳۹۶.

و تفریطی وجود دارد که هردو نگاه ــ چه از جهت اعتقادی و چه از جهت آثار عملی ــ به بروز مجموعه ای از آسیب ها می انجامد. گرایش افراطی بر این باور است که دیدار امام، شرط لازم ارتباط با حضرت در زمان غیبت می باشد. بنابراین همه کمالات دیگر به نوعی فرع و شاخه این امر تلقی می شود و منتظران ظهور هم بیش از هر چیز به این امر تشویق و ترغیب گردند.

در این گرایش، ملاقات با امام غایب علیه السلام امر بسیار رایج و عادی و برای هرکس در هر شرایطی ممکن و آسان دانسته شده وباعث علاقه و محبت عموم مردم به وجود مقدس امام زمان علیه السلام می شود. از این رو با نیت خیر و به قصد محبوب کردن بیشتر آن حضرت، باید باب امکان ملاقات با ایشان را بسیار گسترده و سهل دانست تا شوق لقاء امام همگانی شود.و اگر کسی با این نیت مقدس، ماجرایی هرچند ساختگی و دروغ درباره ملاقات با امام عصر علیه السلام برای مردم نقل کند، کار اشتباهی نکرده؛ بلکه به دلیل ایجاد شوق و محبت حضرت در دل های ایشان، مستحق

حق شناسی و سپاس گزاری نیز می باشد!

در برابر این تفکر افراطی، بینش دیگری وجود دارد که در باره گرایش به دیـدار امام عصـر علیه السـلام دچار تفریط شده اند. اعتراض این گروه این است که با سهل انگاشتن دیدار امام در زمان غیبت، مهدویت و اعتقاد به امام به سطحی نازل سقوط می کند و زمینه بروز مدعیان دروغین در مسیر ملاقات گرایی به وجود می آید.

آن گونه که پیش تر گـذشت امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف در ضـمن بیـان فرا رسـیدن غیبت تام، ادعای هر گونه مشاهده توسط افراد را کذب و افترا خوانده اند: «ألا فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کذّاب مفتر»(۱).

دربـاره معنـای مشاهـده در این توقیع، وجوه گونا گونی ذکر شـده است؛(۲) امـا به نظر می رسـد مقصـود کلی از این عبـارت، تکذیب کسی است که با ادعایی از جمله ادعای نیابت از جانب امام همراه باشد. بنا به عرف زمان غیبت

۱- ر.ک: غیبت طوسی، ص۳۹۶.

۲- ر.ک: عبقری الحسان، ج۲؛ یاقوت الاحمر، ص۲۰۵-۲۰۸.

صغرا، مشاهده توسط کسی صورت می گرفت که نایب امام باشد.

تشرفاتی که در کتاب های عالمان شیعه از جمله جنهالمأوی و مکیالالمکارمذکرشده است، مربوط به کسانی است که در نهایت تقوا و علم قرار داشته و امکان دروغ گویی آنان بسیار بعید به نظر می رسد. دیگر آنکه هیچ یک از این بزرگواران ادعای نیابت خاص و ارتباط همیشگی با امام عصر نداشته و برابر انتشار این خبر نیز حساس بوده اند تا آنجا که از برخی نزدیکان خود قول گرفته اند که تا زمانی که زندهام موضوع ملاقات با امام را فاش نکنند.

حاصل آنکه درباره امکان دیدار امام در زمان غیبت می بایست طریق اعتدال را پیش گرفت؛ نه هر گونه ملاقات با امام را منکر شد و راه دیدار با ایشان را به کلی مسدود دانست و نه ادعای کسی که دعوی ارتباط و سفارت و نیابت امام را دارد پذیرفت.

بنابراین باید در برابر تدبیر خداوند تسلیم بود و در این تسلیم به انجام وظایف و تکالیف عصر غیبت که مهم ترین آن ها کسب معرفت به امام غایب است، پرداخت.

۵_۳. بروز کسالت، سستی و بی حالی

ادعیه و زیاراتی از ناحیه مقدس معصومان علیهم السلام رسیده و در کتب علمی و دینی علما و دانشمندان شیعه ضبط شده است. از جمله دعاهایی که از ناحیه مقدس امام عصر علیه السلام صادر شده و جامعه منتظر را در بر می گیرد، دعای معروفی است که با عبارت: «اللّهم ارزقنا توفیق الطاعه» آغاز می شود.

در این دعای شریف که در متون روایی و ادعیه روایت شده است، (۱) به آسیب های محتملی که افراد جامعه بدان ها گرفتار می آیند و به راه های درمان آن ها اشاره شده که علاوه بر طلب اجابت درمان آن ها توسط خداوند، امکان بهره مندی علمی از آن نیز مهیا می باشد.

امام منتظَر در ضمن عبارات این دعا، آسیب های دوری از اطاعت، عدم خلوص نیت، عدم آگاهی به محارم الهی و بی توجهی به آموزه های دینی و... را طلب می کند. این موارد که در صدر این دعا قرار گرفته اند، بیانگر

۱- مصباح کفعمی، ص ۲۸۱؛ بلدالأمین، ص ۳۵۰.

آسیب های رفتاری کلی در رابطه با جامعه منتظر است که لزوم تلاش برای کناره گیری از آن ها و درمان آن ها بدیهی به نظر می رسد.

در ادامه دعا، امام منتظر از خداوند جبران و درمان این آسیب ها را طلب می کند.

همچنین در دعـای دیگری که توسـط امـام علی بن موسـی الرضا علیه السـلام به آن امر شـده است، (۱) به وظـایف و تکالیف منتظران اشاره شده و نسبت به برخی آسیب های رفتاری جامعه منتظر نکاتی آمده است:

خـدایا! به دست امـام موعود، مـا را به راه راست هـدایت کن و به مسیر عظیم الشـأن و طریقت عـدل و صـحیحی که هر غـالی (بلنـدپرواز و متجاوز از حـدود حقیقی امامت) و هر تالی (کوته نگر و تفریط گر در امر امامت) بایـد به آن بازگردنـد، راهبری فرماو....خداوندا! ما از خستگی و بی میلی و کسالت در کار دین و سستی در طاعت به تو پناه می بریم.

۶ _۳. نمادگرایی افراطی

نماد، آن چیزی است که در پسِ خود چیز دیگری نشان دهد. «چیزی که جای چیز

۱- جمال الأسبوع، ص۵۰۷.

دیگری را می گیرد و بر آن دلالت می کند».(۱)

چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «ما لِلّه آیه اکبر منّی؛(۲) برای خدا آیه و نشانه ای بزرگ تر از من نیست». یعنی با نگاه به حضرت و رفتار او می توان به خدا رسید و خدا را در وجود حضرت یافت. بنابر برخی روایات فرموده اند: «با افرادی دوست شوید که دیدن آن ها شما را به یاد خدا اندازد».

بنابر این روایات، انسان های مؤمن، نماد و نشانهٔ خدا هستند. (۳) در عصر ما مسجد مقدس جمکران نمادی دینی و مذهبی و مربوط به مذهب است، اما آسیب، آن گاه خود را نشان می دهد که جنبهٔ نمادین آن بر سیمای حقیقی‌اش چیرگی یابد و واقعیتی که در پسِ آن، وجود دارد از دید فرد پنهان بماند. آن مکان مقدس در ورای خود باید خدا و بندگی او، شناخت حجت وی و سرانجام نزدیکی به وجود مقدس آن حجت را نشان دهد؛ چنان که اصل هدف از دستور آن حضرت برای

۱- کنش اجتماعی، ص ۹۵.

۲- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۹.

۳- بحارالانوار، ج۷۷، ص۱۴۷.

تأسیس آن مکـان نیز همین بـوده است. در فرمـان حضـرت به حسن بن مثله جمکرانی برای تأسیس مکـان مزبور نیز به همین موضوع اشاره شده است:

به مردم بگو تا به این مکان روی بیاورنـد و آن را عزیز و گرامی بدارنـد و در آن چهار رکعت نماز به جای آورنـد...هر کس این نماز را بخواند، مانند آن کسی است که در کعبه نماز خوانده باشد. (۱)

نمونه های دیگر نمادگرایی افراطی عبارتند از:

۱. اصل شـدن مکان مقـدس وغافل شـدن از دلیل اصـلی تقـدس آن ها؛ بطوری‌که مکان‌های دیگر نیز به عنوان جمکران ثانی شمرده می شود؛ هم چنان که در برخی مکان‌های ایران این اتفاق افتاده است.

۲. اصل شدن زمانی خاص مثل حضور در شب چهارشنبه در مسجد جمکران،اگر چه در میان مؤمنان رایج شده،ولی هیچ وجه علمی ندارد،

۳. یکی از آفات این است که شخص بعد از توجه به نماد، دیگر وظیفه ای در وجود خود

۱- نجم الثاقب، ص۳۸۵.

احساس نکند و همین را برای خود غنیمت شمارد، و به همان راضی باشد؛ به طوری که آن قدر جذب نماد شود که از محتوا غافل بشود.

۷_۳. ارتباط گسسته و مقطعی

از جمله آسیب های اجتماعی در گرایش به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،رابطهٔ موقت و گسسته با حضرت است؛ اعم از ارتباط مقطعی‌درزمان خاص، مثل روز جمعه یا شب چهارشنبه‌یا روز و شب نیمه شعبان، یا ارتباط در مکان های خاص، مثل مسجد مقدس جمکران، مهدیه، مسجد سهله، محل برگزاری دعای ندبه و....

بنابر روایات، این گرایش باید پیوسته باشد و در همهٔ عرصه های زندگی حضور داشته باشد، لذا بنابر روایت: «انتظروا الفرج صباحاً و مساءاً؛ (۱) هر صبح و شام منتظر فرج باشید» و روایاتی که به انتظار سفارش کرده اند، قید زمانی و مکانی نداشته، شامل تمام زمان ها و مکان ها می شوند.

حضور در جمکران، مهدیه، دعای ندبه، خواندن دعای فرج وسلامتی‌حضرت و... از

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ کمال الدین، ص۳۳۹.

مصادیق انتظار است، نه تمام آن. همچنین است سفارش به پیگیری و خواندن برخی‌دعاها درعصر غیبت، مثل «دعای اللهم عرفنی نفسک...».(۱)

در رفتار برخی از منتظران و مهدی یاوران، گرایش به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همین تظاهرات بیرونی خلاصه شده است نه اینکه مهدی گرایی پیاپی در سطح رفتارهای آنان، اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی، جاری باشد.

۸ _۳. روابط اجتماعی ناسالم (گسست اجتماعی)

رفع نیازهای یک دیگر، از اهداف زندگی اجتماعی و برقراری روابط میان انسان ها است. جامعه شناسان، همبستگی و انسجام اجتماعی را برای پایایی و پوپایی سازمان اجتماعی، ضرورتی انکار ناپذیر دانسته اند.

مذهب و آموزه های دینی، از عواملی است که روابط اجتماعی را فزونی می بخشد؛ از این رو دین اسلام بحث حقوق متقابل برادران

۱- غیبت نعمانی، ص۱۶۶؛ مصباح المتهجد، ص۴۱۱؛ کافی، ج۱، ص۳۳۷.

دینی را مطرح کرده، بسیار بر آن تأکید می نماید. چنانکه امام صادق علیه السلامدر پاسخ به درخواست شخصی که اصرار بر بیان حقوق برادران دینی را داشت فرمود: «می ترسم بگویم و تو نتوانیانجام بدهی». آن گاه راحت ترین حق را این چنین بیان می کند:

هر آنچه بر خود می پسندی، بر او هم بپسند و هرچه بر خود نمی پسندی، بر او هم مپسند. (۱)

امیرمؤمنان علی علیه السلام در توصیف جامعهٔ گسل خورده و از هم گسیخته پیش از ظهور می فرماید:

ووا اسفی من فَعلات شیعتی ... کل حزبٍ منهم آخذ منه بِغُصنٍ اینما مال الغُصن مال معه؛(۲)

ای افسوس از رفتار شیعیان ما. پس از امروز که این گونه به هم دوستی نزدیک دارند. چگونه پس از من برخی از آنان، برخی دیگر را خوار سازند و بعضی برخی دیگر را می کشند. هر دسته و گروه از آنان به شاخه ای درمی آویزند و

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص۵۶۳.

۲- بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۱۲۲.

به هر سوی که شاخه بچرخد، آنان نیز می چرخند.

این روایـات سازمان اجتماعی پیش از ظهور را گزارش می دهنـد. جامعه ای که به تشـتت و پراکنـدگی فکری و کنشـی دچار است و روابط اجتماعی در آن از هم گسیخته و اتحاد و یکپارچگی در آن جای خود را به تفرقه و جدایی داده است.

۹ _۳. کم فروغ شدن عواطف انسانی

از معیارهـای مهم برای تشـخیص جـامعه انسانی از گونه های دیگر اجتماعی، وجود پیونـدهای عمیق و عواطف سـرشار انسانی است.

در این برهه از زمان، پیونـدهای اجتماعی بر محور حق و عـدالت و ارزش های انسان نمی چرخـد؛ بلکه ضابطه دراین پیوندها، خودخواهی، خودپسندی، ستم و بی توجهی به حقوق و ارزش های انسانی او است.

از روایات در توصـیف روزگار پیش از ظهور و آسـیب های عصر انتظار به دست می آید که پیوندها به گونه ای ظهور و بروز می یابد که نمایانگر گسستی عمیق در روابط اجتماعی انسان ها است.

قطع روابط خویشاوندی،کم ارج شدنجایگاه پدر و مادر و بزرگ ترها در نزد فرزندان و در مقابل بی توجهی بزرگ ترها به فرزندان و اعضای فروتر خانواده، عدم توجه به حقوق همسایه، دروغ گویی، کینه توزی و دشمنی، حسادت، رواج غیبت و بهتان و افترا، هر کدام گسلی بر روابط اجتماعی و عواطف انسانی است که احادیث، آنها را بیان کرده اند. اکنون به بیان برخی از این ناهنجاری ها می پردازیم:

قطع رحم:

صلهٔ رحم به معنای محبت و ارتباط داشتن با خویشان است که در اسلام به آن توصیه ودر زمرهٔ واجبات شمرده شده است. قطع آن به معنای بی توجهی و گسست پیوند خویشاوندی است. بنابر روایات، در روزگار پیش از ظهور، این پدیده در میان مردم به گونه ای شیوع می یابد که دست نیاز خویشاوندان محتاج را نیز بر نمی تابند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «رأیت الارحام

قد تقطّعت؛(۱) وقتی دیدی پیوندهای خویشاوندی، گسسته شده است».

پیامبر اسلام۹ فرمود:

قیامت برپا نمی شود تا آنکه زمانی فرا رسد که مردمی]از شدت فقر[به اقوام و بستگان خود مراجعه کنند و آنان را به پیوند خویشاوندی سوگند دهند تا بلکه به او کمک کنند؛ ولی چیزی به او نمی دهند. (۲)

بی حرمتی‌انسان ها به یک دیگر:

در آموزه های دینی به اعضای جامعه اسلامی سفارش شده است که به یک دیگر احترام بگذارند و از بی حرمتی به یکدیگر اجتناب کنند.

اما در جامعه پیش از ظهور، این ارزش اسلامی زیر پا نهاده می شود و افراد، خود را به رعایت آن ملزم نمی دانند. پیامبر اسلام در توصیف این آسیب می فرماید:

در آن روزگار، بزرگ ترها به زیردستان و کوچک ترها، با مهربانی رفتار نمی کنند و قوی

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۵۶.

۲- الامالی شجری،، ج۲، ص۲۷۱.

بر ضعیف ترحم نمی نماید. (۱)

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

رأیت العقوق قد ظهر واستُخِفّ بالوالدین؛(۲)

وقتی که دیدی عاق والدین آشکار گشته و جایگاه پدر و مادر سبک شمرده شده است.

و این نشان از افول و غروب چراغ عاطفه نزد فرزندان آنان است.

بی توجهی به حقوق همسایگان:

با توجه به سفارش اکید اسلام در باره همسایگان، جامعه منتظر پیش از ظهور به سبب ضعیف شدن نیروی عواطف انسانی، نه تنها برای همسایه خویش احترام قائل نمی شوند، بلکه در آزار دادن وی تلاش می کنند.

در روایات آمده است:

در آن روزگار، همسایه از همسایهٔ خود یاری می طلبد و او را به حق خویشاوندی سوگند می دهد؛ اما به او کمک نمی کنند. (۳)

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۳۸۰.

۲- وسایل الشیعه، ج۱۶، ص۳۷۸؛ بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۵۹.

۳- ۱. الامالی شجری، ج۲، ص۲۷۱.

۱۰_۳. شیوع ناهنجاری‌های رفتاری

عمق گرایش به کج‌روی ها در روزگار پیش ازظهور به میزانی است که بسیاری از مردم در جامعهٔ اسلامی، ارزش های اسلامی را ضد ارزش و ضد ارزش های اسلام را برای خود ارزش تلقی خواهند کرد. (۱)

در روایات، از کج روی هایی چون هم جنس بازی، فحشاء، بی عفتی و بی حجابی، قماربازی، رشوه خواری، شرب مشروبات الکلی، سرقت و کم فروشی، نام برده است.

براساس برخی روایات، فرآیند گرایش به همجنس بازی به میزانی شدت و حدّت می یابد که مردان، مردان دیگری را که به زنان تمایل دارند، نکوهش می کنند. (۲)

فحشاء؛ که شامل همهٔ شیوه هایی می شود که از طریق آن ها خواهش های جنسی را به صورت نامشروع ارضا می کنند. در روایات بی شماری به این ناهنجاری ها اشاره شده است.

۱- منتخب الاثر، ص ۴۲۶.

۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۵۷.

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

در واپسین سال های دنیا و نزدیک برپایی قیامت که بدترین زمان ها است، زنانی ظاهر می شوند که برهنه اند و خودنمایی می کنند، از راه دین منحرفند و به فتنه و گناه و شهوترانی تمایل دارند، حرام را حلال می کنند. جای آنان در دوزخ است. (۱)

در برخی روایات که به توصیف روزگار پیش از ظهور پرداخته اند، به سرقت در غالب کم فروشی و رانت خواری اشاره شده است. (۲) امام حسن عسکری علیه السلام آن دوران را این گونه ترسیم فرمود:

«اغنیاؤهم یسرقون زاد الفقراء؛ اغنیا و توانگران جامعه، ارزاق]وسایل معیشتی و امکانات زندگی[بی نوایان را می ربایند».(۳)

۱۱_۳. انگیزه های غیر انسانی در روابط اجتماعی

براساس روایات، انگیزه ها در روزگار پیش از ظهور، الهی و انسانی نیست.غالب پیونـدها، براساس دست یابی به عیش و نوش و لذت و

۱- من لا یحضره الفقیه، ص ۳۹۰.

۲- بحارالانوار، ج۵۲، ص ۲۵۸.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸۰.

فساد و آلودگی است و ابراز صمیمیت ها از حد زبان فراتر نمی رود؛ اما هنگام نیاز واقعی، یاری دهندگان اندکند.

حضرت علی علیه السلام در توصیف این فضا می فرمایند:

... و تواخَی النـاس علی الفجور و تهـاجرُوا علی الـدین و تحـابُّوا علی الکَـذِب... وَاستُعمِلَتِ المَوَدَّة باللّسـان و تشـاجرُوا الناس بالقلوب؛(۱)

مردم بـا انگیزهٔ گناهکـاری بـا هم برادر می شونـد و در راه دین از یـک دیگر جـدا می گردنـد. دوستی هـا دروغین است... و دوستی به زبان و دشمنی مردم به دل ها است.

۱۲_۳. آسیب های سیاسی در عصرانتظار

اگر انسان بخواهد در حوادث و پیچیدگی های زندگی اجتماعی و سیاسی فریب نخورد،لازم است ازعنصر بصیرت که حاصل شناخت و تفکر است، برخوردار گردد.

فعال سیاسی به سه نوع شناخت برای حضور در عرصه های سیاسی و اجتماعی نیازمند است که عبارتند از: حق شناسی،

۱- نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۰۸.

باطل شناسی و راه شناسی. و قرآن، به هر سه نوع شناخت و بصیرت اشاره کرده است. (۱)

اگر انسانی نفهمد تنها راه سعادت، راه ولیّ خدا است، در شبهات و فتنه ها غرق می شود؛ از جمله عوامل باز ماندن از جبهه حق و همراهی با ولی خدا، شبهه ها و فتنه ها هستند.

لذا اگر انتظار در جایگاه واقعی خود که همانا معرفت حجت حق است قرار نگیرد، در فتنه ها و گرداب ها می افتد که این آسیب جبران ناپذیر است؛ و لذا باید برای رفع این فتنه ها به باطل شناسی روی آورد، تا سره را از ناسره و حق را از باطل باز شناسد.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

ای ابوخالد! همانا مردم زمان غیبت که به امامت او معتقدند و منتظر ظهور او هستند، برتر از مردم همه زمان هایند؛ زیرا خدای متعال، به آنان آن اندازه از عقل و شناخت داده که غیبت برای آنان، به منزلهٔ شهود شده است. (۲)

۱- سورهٔ انعام (۶): ۵۰ ؛ سوره زمر (۳۹): ۹.

۲- کمال الدین، ص ۳۳۰.

۱۳_۳. عدم تناسب سطح معارف منتظران با شرایط عصر حاضر

بحران کیفیت، از مسائل و مشکلات نظام های آموزشی کشورها در دوران کنونی است. این آسیب در بخش آموزش و تعلیم، دامن گیر آموزش ها و معارف دینی از جمله مهدویت گرایی نیز شده است. چنانکه سطح معلومات و معرفت بیشتر مهدی باوران دربارهٔ حضرت و وظایف خود در عصر غیبت، بسیار پایین تر از معمول در دوران آخرالزمان است؛ چرا که هرچه بحران ها شدیدتر باشد و عوامل ایمان زدا فراگیرتر شود، عمق بخشیدن به باورهای دینی از جمله مهدویت ضروری تر است؛ زیرا در زمانه ای هستیم که به قول روایات: «یُصبح الرجل مؤمناً و یُمسی کافراً». امروز همان روزگاری است که ایمان ها خیلی راحت از دست می رود. (۱)

تکرار صدبار (ایّاک نعبد و ایّاک نستعین در نماز مخصوص امام زمان علیه السلامدر هر رکعت بیانگر این نکته است که در دوران غیبت، حفظ ایمان بسیار سخت است.

۱- آفتاب ولایت، ص ۹۷.

ضعف معرفت و شناخت متناسب با زمان در امر مهدویت و نمودهای این آسیب در رفتارهای زائران و مشتاقان حضرت که به مسجد مقدس جمکران می آیند، به چشم می آید. گرایش کم زائران به تهیه محصولات فرهنگی و کتاب، به ویژه در مقایسه با تهیه غذای نذری بسیار به چشم می آید.

۱۴ _۳. ابهام در آثار روانی مهدویت

در رویکرد روان شناسی دینی، مفاهیم مهدویت نیز مانند دیگر مسائل دین، از لحاظ علمی، تجزیه و تحلیل می شود. مفاهیمی مانند منجی گرایی، نجات طلبی، امید به آینده، آرمان گرایی و...، جزء ذات انسان مسلمان و از عناصر پایای روان وی هستند؛ لذا روان شناسی باید بحث درباره آن ها را بپذیرد.

مهدویت چند بعدی است و ابعاد شناختی، شهودی و درونی، عاطفی و رفتاری را در بر می گیرد. این مجموعه چند بعدی، می تواند در مجموعه سرفصل های روان شناسی گنجانده شود. گرچه هنوز، بعضی از روان شناسان مطمئن نیستند که پرداختن به دین، جزو حوزه مطالعاتی و کاری آنها باشد و طبیعتاً نمی توانند میان روان شناسی حرفه ای خود و

مهدویت ارتباطی بیابند. برخیروان شناسان از این نکته غافلند که اسلام، دین زندگی است و برای سعادت انسان، طرح و برنامه دارد؛ چنانکه تعبیرقرآن از تبیاناً لکل شیءٍ؛(۱) قرآن روشنگرهرچیزی است» بیانگر این معنا است.

در مرحله بعدی، این الگوی زندگی را با امامت تکمیل کرد. «الیوم اکملتُ لکم دینکم،(۲)در این روز]غدیر[دین را بر شما کامل کردم» یعنی دین سعادت بخش، با امامت همراهی داشته و هدف، مسیر و روش زندگی با این الگو مشخص و کامل می گردد.

البته این گونه نیست که تربیت دینی، پیش نیاز تربیت مهدوی باشد؛ بلکه هر دو یکی است و تربیت دینی با رویکرد مهدوی باید اجرا شود. و اگر علمی بخواهد به دین اسلام بپردازد، باید آن را با همین رویکرد مطالعه کند؛ یعنی روان شناسی اسلامی در واقع همان روان شناسی مهدوی است.

فعالیت روان‌شناسی با مبنای مهدوی، در واقع همان زمینه سازی برای ظهور است؛ زیرا

۱- سورهٔ نحل (۱۶): ۸۹.

۲- سوره مائده(۵): ۳.

چنانکه گفته شد توسعه مهدویت با تحقق زمینه سازی مساوی است.

در زیـارت جـامعه کبیره می خوانیم: «بکُم ینفّس الهم و یکشف الضّر؛ نـاراحتی هـا و فشارهـا، فقـط بـا شـما اهل بیت رفع می شود»؛(۱) جدایی جریان مهدویت از روان‌شناسـی می تواند زمینه سازی به سـمت ظهور را کُند کند و این خود در نوع خودش آسیب به حساب می آید.

برای برون رفت از این آسـیب، پیشـنهاد می شود مراحل و درجات مختلف انتقال فرهنگ مهدوی، از منظر روان‌شناسی تدوین شود.

۱۵ _۳. انتظار منجی بدون تلاش برای تغییر

براسـاس آیـات قرآن کریم، هرگونه تغییر بنیـادین و تبـدیل سـرنوشت جـامعه، به دست خداونـد و با ارادهٔ او محقق می شود و اوست که اراده اش در ایجـاد تغییر و تحول، یـا ایجاد مانع بر سر راه آن، به عنوان علت تامه، نقش مسـتقیم ایفا می کنـد. البته علت تامه تغییر، خدا است؛ اما مقدمات و زمینه سازی ایجاد

۱- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

آن، در اختیار انسان است.

در مشهورترین آیه در این زمینه که از غرر آیات الهی است، تغییر سرنوشت یک ملت را وابسته به عمل آن ها و منتسب به ذات مقدس خویش می داند و تصریح می کند.

«ان الله لا یُغیّر ما بقوم حتّی یُغیّرُوا ما بانفُسِهم. »(۱)

در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند.

تا زمانی که ما تحولی نداشته باشیم و زمینه ها را فراهم نکنیم، در بیرون، چیزی رخ نمی دهد، این مسأله شرطی است «ان تنصرُوالله ینصرکُم». (۲) یعنی کسانی که امداد الهی را می خواهند باید از توانمندی های خودشان استفاده کنند. به تعبیر زیبای قرآن، نگاهتان به دست خودتان باشد«ما قَدَّمَت یَداک»(۳).

با این وصف کسی که منتظر منجی و حجت خداست، اگر تغییری در رفتار و حالات

۱- سوره رعد(۱۳): ۱۱.

۲- سوره محمد (۴۷): ۷.

۳- سوره حج(۲۲): ۱۰.

خود ایجاد نکند، گرفتار آسیب بزرگی است؛ زیرا ظهور حضرت، امری تکوینی نیست؛ بلکه وعدهٔ الهی است و تحقّقش به اذن و فرمان خاص خدا بستگی دارد. اگر مقدماتش فراهم شد، به اذن و فرمان او انجام خواهد شد.

۱۶_۳. بی تفاوتی منتظران در قبال زمینه سازی

در روایات متعدّدی به ضرورت زمینه سازی اشاره شده است. از آسیب های جدی در این حوزه، وقتی است که انتظار را به عنوان یک حالت تلقی کرده، به شعار انتظار بسنده کنیم؛ در حالی که انتظار اقدام و انجام وظیفه یک شیعه، در فراهم ساختن زمینه های ظهور است. چنانچه در روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام آمده است:

لیعدّن احدکم لخروج القائم و لو سهماً...؛

هر یک از شما باید برای قیام قائم آماده کند ولو یک تیر را. (۱)

برای رسیدن به ظهور باید حرکت کرد؛ مثل قلّه ای که باید به سوی آن حرکت کرده، به آن برسیم. این قله و این هدف، رفتنی است نه آمدنی؛ لذا ظهور، تحصیلی است نه

۱- غیبت نعمانی، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

حصولی. البته حقیقت آسیب در این نیست که اگر ما به وظیفه مان عمل نکنیم، امام ظهور نمی کند؛ بلکه جامعه آکنده از ظلم، خودش می تواند زمینه ساز ظهور نور باشد؛ چون: «اِنّ الباطل کان زَهُوقاً»؛(۱) بی تردید باطل رفتنی‌است ».

پس رسالت ما، آوردن حق است، ما هستیم که باید زمینه های ظهور را فراهم کنیم، در غیر این صورت محروم می شویم.

ظهور مشکل فاعلی ندارد، مشکل قابلی دارد؛ یعنی هنوز جامعه قابلیت پذیرش امام را ندارد.

به تعبیر خواجه طوس: «و عدمُهُ منّا»، مانع، ما هستیم و از ماست که بر ماست. (۲)یعنی می توان گفت: بزرگ ترین آسیب و مانع در حوزه مهدویت، خود ما هستیم و بی قابلیتی ما است. این نفس آلوده ما است که مانع حضور او است. ما کوتاهی کرده ایم و نتوانسته ایم از او حمایت کنیم که غایب شد.

در روایت آمده است:

۱- سوره اسراءِ(۱۷):۸۱.

۲- کشف المراد، ص۵۰۷.

مَن سرّه ان یکون من اصحاب القائم فَلینتظرْ ولْیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر؛(۱)

«کسی که دوست دارد از یاران قائم باشد، پس باید انتظار بکشد و از محرمات و گناه دوری کند و آراسته به زیبایی‌های اخلاقی باشد».

۱۷ ـ۳. عدم پیروی از نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

از آسیب های مهم در جامعه منتظر، فهم غلط نسبت به جایگاه ولی فقیه است و این باعث می شود در اطاعت پذیری مردم از ولی فقیه در عصر غیبت اثر منفی بگذارد.

براساس مبانی ولایت فقیه و نظر امام راحل۱ و برخی از فقهای معاصر ـ که حق هم همین است ـ شأنی که امام معصوم علیه السلام در فضای مجتمع دارد؛ ولی فقیه هم دارد. البته نه اینکه هر شأنی که امام معصوم علیه السلام به لحاظ فردی دارد، ولی فقیه هم دارد. امام، دارای مقام عصمت است؛ اما ولی فقیه معصوم نیست. بر امام معصوم، ملائکه در شب های قدر نازل می شوند؛ اما بر ولی فقیه نازل

۱- غیبت نعمانی، ص۲۰۰.

نمی شونـد. محـل گفت و گوی مـا این گونه مقـام هـا و شؤون شخصـی نیست؛ بلکه محل گفت و گو این است که در فضای جـامعه و اداره مجتمع، هر شأنی که امـام معصوم علیه السـلام دارد، ولی فقیه هم دارد؛ بنابراین اگر ولی فقیه برای ادارهٔ جامعه دستوری بدهد یا حکمی بکند، باید مردم نسبت به ولایت فقیه اطاعت پذیرتر از کنیز به صاحبش باشند. (۱)

اگر به تعبیر قرآن، تجلّی محبت خـدا در اطـاعت از رسول است. تجلّی محبت امام زمان علیه السـلام نیز در اطاعت از ولی فقیه است. این اسـاس اعتقـاد مـاست، ولایتمـداری یک شـعار صـرف نیست بلکه بایـد با آن زنـدگی کرد و این اساس یک مکتب است.

و لـذا اگر می گوئیم امـام زمـان علیه السـلامرا دوست داریم، تجلی اش در اطـاعت از ولی فقیه است، زیرا رابطه امـام و مأموم، بیش از رابطه پدر و فرزند است.

۱۸ _۳. عدم تبیین مشکلات فقدان امام علیه السلام

در فرازهایی از دعای افتتاح که از جانب

۱- هُم اَطوع له من الاَمهٔ لسیّدها.

امام زمان علیه السلام است، می خوانیم:

«اللهّم انّا نشکو الیک فقد نبیّنا و غیبهٔ ولیّنا»؛ خدایا ما به تو شکایت می‌کنیم از نبودن پیامبرمان و از غیبت مولایمان»

معتقدیم باید شاخص های کلان فرهنگی یک دولت، این باشد که نبود امام و مشکلات آن، برای مردم چه در داخل و چه در گستره جهانی توضیح‌داده شود. ما از نبود امام شکایت داریم و ناراحتیم. این وضعیت باید تبیین و تحلیل بشود. در حقیقت باید نشان بدهیم که زمین، نیازمند آسمان است.

اما متأسفانه امروز جامعه منتظر عملاً چنین نشان می دهد که ما شکایتی نداریم و راضی به وضع موجودیم؛ زیرا هنوز مصیبت های فقدان امام علیه السلامبرای خیلی ها تبیین نشده است. در حالی که در آن دعا آمده است:

«الهی عظم البلاءِ» آیا واقعاً نبود امام برای ما بلا-یی عظیم است؟ اینکه می گوییم: «الهی عظم البلاءِ و برح الخفاءِ وانکشف الغطاءِ وانقطع الرّجاءِ و ضاقت الارض و مُنعت السّماءِ و انتَ

المُستعان و اليک المُشتکی». (۱) آیاهنوز ما در دنیا با غیبت امام در تنگنا قرار نگرفته‌ایم وبه مرز اضطرار و شکایت به درگاه الهی نرسیده‌ایم، تا ظهورش را بخواهیم؟ اگر چنین است، معلوم می‌شود هنوز از عصر ظهور که عصر همه زیبایی ها است و از امام زیبایی ها و اهدافش، هیچ شناختی نداریم.

باید نشان داد که مهدویت، نه یک راه؛ که تنها راه است «السلام علیک یا سبیل الله الذی مَن سلک غیره هلک». (۲)

۱- بحارالانوار، ج۵۳، ص۲۷۵ وج ۹۹، ص۱۱۹ به نقل از کنوزالنجاح و المزارالکبیر، ص۱۹۶و المزارالشهید، ص۶۴-۶۵؛ المصباح کفعمی، ۲۸۰.

۲- المزارالشهیدالاول، ص۲۰۴؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

ص: ۸۳

فصل دوم: عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر

اشاره

شناخت عواملی که به پیدایی آسیب ها در جامعه منتظر می انجامد ضروری است. با بررسی این عوامل، زمینه برای برون رفت از مشکلات پیش آمده فراهم خواهد شد.

۱. عوامل درون فردی

۱_۱. فراموشی ولایت خدا و معصومان علیهم السلام

از آنجا که یاد خداوند، هسته مرکزی دینداری است؛ چنانچه این مقوله را از دینداری جدا کنیم، انسان به نوعی به «فراموشی خداوند» مبتلا شده، از دین گریزان می شود. ممکن است انسان خود را به ظاهر متوسل به دین بداند؛ اما چون از هسته مرکزی دین، یعنی اعتقاد به خدا غافل مانده، به نوعی در سراشیبی دین گریزی قرار گرفته

است؛ به تعبیر دیگر خدا فراموشی، زمینه سریع تری را برای گریزان شدن از دین فراهم می کند.

خداوند در قرآن می فرماید:

و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او نیز آنان را دچار خود فراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانانند(۱).

پس سرانجام خدا فراموشی، فسق است و فسق و دینداری با هم جمع نمی شوند.

نیز اتصال به حبل المتّقین الهی، یعنی امامان معصوم، انسان را در مقابل حوادث بی دینی ودین گریزی مصونیت می دهد. کسانی که از این مقامات عظیم الشأن الهی تخلف ورزند، در معرض هجوم امواج بی دینی تاب مقاومت ندارند و به مسیری برخلاف مسیر هدایت و دین کشانده می شوند. امام علی علیه السلام نقش امامان را زنده نگه داشتن سنت پیامبر وجاری ساختن حدود الهی می داند:

همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا امر فرماید و آن، کوتاهی نکردن در پند و

۱- «وَ لاَ تکوُ نُوا کَالَّذینَ نَسُوا اللّهَ فَاَنساَهُم اَنفُسَهُم اُولئکَ هُمُ الفاَسِقُونَ». (سوره حشر، (۵۹): ۱۹)

نصیحت، تلاش در خیر خواهی، زنده نگه داشتن سنت پیامبر، جاری ساختن حدود الهی بر مجرمان و رساندن سهم های بیت المال به طبقات مردم است. (۱)

۲_۱. فقر فرهنگی

فقر و غنا در اندیشه معصومان: در معنای گسترده تری از تهی دستی و بی نیازی مالی به کار رفته است. مراد از فقر فرهنگی، تهیدستی مردم نسبت به مسائل فرهنگی، مانند عدم شناخت و عمل به مسائل دین به عنوان جزء مهم فرهنگ است. در مقابل، مراد از غنای فرهنگی، قوت واستحکام در عرصه علمی و عملی فرهنگ و التزام به مسائل فرهنگ دینی است. در اندیشه امام علی علیه السلام فقر فرهنگی، سخت ترین و بدترین نوع فقر است. از حضرت سؤال شد: «کدام نوع فقر شدیدتر و بدتر است؟» فرمود: «کفر ورزیدن پس از ایمان». (۲)

۱- نهج البلاغه، خطبه۱۰۵.

۲- ص ۵۱۱. قیل له: «ای فقراشدّ؟» قال علیه السلام: الکفر بعدالایمان»، جلوه های حکمت

غنای فرهنگی باعث مصونیت فکری و فرهنگی می‌شود و آسیب زدایی آفت های دینی را به دنبال خواهد داشت؛ ولی فقر فرهنگی و عدم آشنایی عمیق با مسائل دینی، آسیب پذیری فرهنگی و دینی را در پی خواهد داشت.

از موارد فقر فرهنگی، جدال بی حاصل در مسائل دینی، به جای مناظره صحیح و منطقی است که خود شروع یک آسیب جدی است. چون در روند دین گریزی، تأثیر دارد: زیرا اولاً طرفین مناقشه را سست بنیان می کند؛ چون هیچ کدام نمی توانند همدیگر راضی کنند وثانیاً شاهدان این جریان هم به نتیجه روشنی نمی رسند. این جا است که امام علی علیه السلامی فرماید: «ایّاکُم وَالمِرَاء و الخُصُومَه؛ مراء وجدال را رها کنید».

۳ _۱. خودخواهی و دنیاگرایی

دنیاطلبی، به معنای اسارت در دام دنیا،از عوامل جداکننده حقیقت طلبان از باطل جویان است. عصر ظهور،با تغییر نگاه جامعه به مظاهر دنیایی، به صورت علمی و عملی، این موانع را برطرف خواهد کرد.

از آن جا که حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عالم گیر است و منفعت طلبان به عدالت سوق داده می شوند، بیشترین مخالفت ها، از دنیاطلبان و دنیاخواهانی است که در هراس از دست دادن آن، یا در شوق و عشق زیاده خواهی آنند.

اگر انسان خوب رهبری نشود و از خود مراقبت نکند، علاقه اش به وابستگی تبدیل می شود. «وسیله» به «هدف» استحاله می شود، «رابطه» به صورت «بند» و «زنجیر» در می آید. این آفتی است که قرآن و نهج البلاغه، انسان را درباره آن هشدار داده است.(۱)

اسارت دنیا و نگاه صرفاً دنیایی به زندگی، آدمی را از هر کس که سخنی غیر از دنیا بگوید، متنفر می سازد و این خود زمینه ای برای عدم اطاعت و همراهی و گاه نفرت از امام را فراهم می‌آورد. از این رو دنیاخواهی در کوته‌نگری منتظران نیز بسیار دخیل است.

نیز دل‌بستگان دنیا، چون نگاهشان فقط دنیایی است، دیگران را نیز از انجام تکالیف و

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴.

مسؤولیت ها باز می دارند، تا از دنیا بیشتر بهره گیرند. بر این اساس از تحقق راه خدا که با خود مجاهدت، سختی، جهاد، عدالت و یاری محرومان را دارد گریزانند و در مقابل دین صف آرایی می کنند که این خود بزرگ ترین گمراهی است. (۱)

در زیارت حضرت امیر علیه السلام آمده است:

خدایا !... شکر تو را که مرا معرفتی دادی که اهل دنیا جاهل به آن هستند و به دیگران، روی آوردند. (۲)

همچنین در جریان قیام حسینی، گروهی از کوفه، که از نویسندگان نامه به امام حسین علیه السلام بودند، تا آخرین نفس، از او دفاع کردند و گروهی دیگر، در تمام گفته ها و نوشته‌های خود تعبیر «جُند مجنّد؛ لشکر آماده»، آوردند؛ ولی عهد و سوگندها را فراموش کرده و در مقابل سخن و احتجاج امام حسین علیه السلام، نامه را انکار کردند. اینان،

۱- «الَّذینَ یَسْتَحِبُّونَ الْحَیاهَ الدُّنْیا عَلَی الْآخِرَهِ وَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ وَ یَبْغُونَها عِوَجاً أُولئِکَ فی ضَلالٍ بَعیدٍ». (سوره ابراهیم(۱۴): ۳)

۲- بحارالانوار، ج۹۷، ص۳۳۶.

بندگان دنیا بودند. گروه دیگر، بی طرفانی هستند که شیطان، آنان را فریفته است. آن ها به زعم خود بی طرفند؛ حال آنکه با تماشا و سکوت خود، یاریگر دشمن هستند. گروهی بودند که می گریستند و دعا می کردند که خدایا! حسین را یاری کن و به همین بسنده کردند.

امام صادق علیه السلام، در پاسخ ابابصیر که پرسیده بود فرج چه زمانی می رسد؟ فرمود:

آیا تو از کسانی هستی که خواهان دنیا هستند؟ کسی که حقیقت این امر را درک کند، به واسطه انتظارش، برای او فرج حاصل می شود. (۱)

۴_۱. اشتیاق غیر معقول

برخی ذهنیت ها در میان منتظران، متوجه این معنی است که تنها اعتقاد به اهل بیت و محبت امام زمان علیه السلام برای عمل به انتظار کافی است. چنین کسانی می پندارند که به صرف حضور در جامعه منتظر، به رستگاری رسیده اند؛ از این رو در برابر اعمال و رفتار و وظایف خود مسؤول نبوده و در قبال گناهان

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۷۲.

خود عـذابی نخواهنـد داشت. این توهم که در قرآن و روایات نیز مردود شـمرده شده است، تمنّی یا امید کاذب نام دارد. آن... چنانکه اهل کتاب نیز گمان می بردند همین که نام دین و مذهب را بر خود نهاده اند، اهل سعادتند و عذاب نخواهند شد. (۱) در روایات دیگری نیز این گروه آرزوپرداز، تکذیب شده اند و تحت عنوان «المُتَمَنُّون» از آن ها خبر داده شده است. (۲)

آرزوگرایی بـدون عمـل در بـاب انتظـار، سـبب بروز آسـیب هایی می شود که از مهم ترین آن ها می توان به: عمل نکردن به وظایف فردی و اجتماعی انتظار، دامن زدن به انتظار منفی و عـدم اقدام عملی و انجام وظیفه در قبال امام و بروز توهم بی جای رضایت از خویش و بـدگمانی به دیگران اشاره کرد. با این اوصاف، توجه دادن افراد منتظر به تأمل و تدبّر در آیات و روایاتی که سلامت اعمال و رفتار را

۱- «وَ قـالُوا لَنْ یَدْخُلَ الْجَنَّهَ إِلاَّ مَنْ کـانَ هُوداً أَوْ نَصـاری تِلْکَ أَمـانِیُّهُمْ قُلْ هـاتُوا بُرْهـانَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ صـادِقِینَ». (سـوره بقره (۲):۱۱۱)

۲- شرح نهج البلاغه، ج۶، ص۳۸۳؛ غیبت نعمانی، ص۱۹۷.

تنظیم کرده، معیارهای عمل صالح را بیان می کنند، (۱) برای مبارزه با این عامل، ضروری است.

البته‌ریشه اصلی این عامل در عدم درک جایگاه امام و امامت و خودمحوری و خودخواهی نهفته است.

به فرمودهامام صادق(ع):«یکی از ویژگی های ممتاز سلمان این بود که خواسته امام را بر خواسته خویش مقدّم می ساخت». (۲)

۲. عوامل برون فردی

۱– ۲. عدم معرفت عمومی

شاید بتوان اصلی ترین و جدی ترین عاملی که به بروز آسیب های اجتماعی در جامعه منتظر می انجامد را عدم معرفت عمومی دانست. این مسأله تنها به افراد منتظر محدود

۱- آیاتی مانند محتوای سوره والعصر که شرایط عمل خالص همراه با انجام وظایف فردی و اجتماعی را بیان می کند.]انسان ها همه در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند و یک دیگر را به حق سفارش کرده و یک دیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند[، از این دسته به شمار می روند.

۲- امالی طوسی، ص۱۳۳؛ بحارالأنوار، ج۲۲، ص۳۲۸.

نمی شود؛ بلکه به سطح وسیع تری از عدم معرفت که فضای عمومی و اجتماعی را شامل می شود مربوط شده، تأثیرات عمیق تری از خود برجای می گذارد.

به عبارت دیگر، اگر بروز آسیب های فردی را ناشی از عوامل پیش گفته بدانیم، آنچه سبب پذیرش این عوامل و آسیب های برآمده از آنان می شود، سطح پایین معلومات عموم جامعه است که به چنین ادعاها و تحرکاتی، امکان ظهور و بروز می دهد.

در چنین زمینه ای «شبهه» و «بدعت» بروز یافته، فضای حیات دینی جامعه منتظر را آلوده می سازد. شبهه که به معنای ایراد، اشکال، ایجاد تردید، به اشتباه انداختن و مسلم نبودن است، تفاوت چشم گیری با طرح سؤال دارد. سؤال، با هدف یافتن مجهول و یافتن پاسخ مطرح می شود؛ اما شبهه با هدف ایجاد نقص و یا کاستی و از روی استهزاء و تمسخر صورت می گیرد. بنابراین، هر آنچه که ظاهری شبیه به حق دارد، اما حقیقتاً و واقعاً حق نیست، از مصادیق شبهه شناخته می شود و نام گذاری آن هم به نام شبهه، درست به همین دلیل است؛ شبهه بدین سبب شبهه

نامیده شده که شبیه حق است. (۱)

«حق» که از ارزش های پایدار و اصولی در نظام فرهنگی است و خاستگاه خاص خود را دارد و هنجارها می بایست در ارتباط با آن ها باشد، با ورود شبهه ها، دچار اختلاط می گردد.

بدعت نیزکه در اصل«اصطلاحی فقهی» است و به هر چیزی که با سنت نبی اکرم۶ مخالف باشد، اطلاق می شود و معمولا به نظریه ها و عادت های جدیدی که از دیدگاه های شخصی نشأت گرفته و در جامعه اسلامی رواج یافته باشد،گفته می‌شود،، معلول عدم معرفت است؛ از این رو جامعه منتظر یکی از مهم ترین عوامل آسیب زای خود را می بایست در ایجاد بدعت جست و جو کند.

۲_۲. ضعف جامعه پذیری

مفهوم جامعه پذیری

مراحل یا فرایندی است‌که شخص راه‌ها، افکار، معتقدات وسایر خصوصیات مناسبِ مورد نیازش را برای عضویت در جامعه به دست می‌آورد که مهم ترین پیامد آن،

۱- نهج البلاغه، ص۸۱.

شناخت خود است وآن‌ها را جزء شخصیّت خویش می‌نماید. (۱)

جامعه‌پذیری سیاسی، روندآموزشی است که به انتقال هنجارها و رفتارپذیرفتنی از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند؛ بنابراین هدف جامعه پذیری تربیت یا پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه باشند.

برای نمونه، در بحث های سیاسی، به عقیده سیگل:(۲)«جامعه پذیری سیاسی، یادگیری تدریجی هنجارها، ایستارها و رفتار قابل قبول برای یک نظام سیاسی درحال تغییر است». (۳)

عامل‌های عمده جامعه‌پذیری عبارتنداز: خانواده، مدرسه، گروه‌های همتا، تجربه‌های‌طی‌دورهکار، رسانه های جمعی و تماس مستقیم با نظام سیاسی. البته گروه‌های همتا یادلبسته، تأثیر پایدارتری از مدارس یادانشگاه ها دارند. تجربیات افراد درمیان

۱- روحانیت و جامعه پذیری سیاسی، ص۲۴ (به نقل از rogers cruton وعلی اکبر شعاری نژاد).

۲- robert sigel

۳- بنیادهای علم سیاست، ص۱۱۸.

دوستان، درایجاد تغییری‌کامل در ایستارهای ذهنی آنان اساسی است. درنتیجه چنین تأثیراتی، ایستاری خصومت آمیز و پرخاشگرانه به آسانی ممکن است به ایستارهمکاری تبدیل شود یا برعکس. (۱)

جامعه منتظر و قوانین کلیدی آن، بهترین فرصت را برای اهالی آن ایجاد نموده تا بتوانند با پذیرش چنین جامعه‌ای،خود را از آسیب‌ها در امان بدارند.

۲-۳. فقر و غنای مفرط اقتصادی

علاوه بر فقر فرهنگی، فقر اقتصادی نیز می تواند باعث ضعف و نقصان دین‌داری شود. فردی که برای تأمین نیازهای اولیه و ضروری زندگی مادی خود، از صبح زود تا پاسی از شب به طور مستمر به کار سخت و طاقت فرسا تن می‌دهد، طبیعی است نتواند وظایف دینی و شرعی خود را به صورت شایسته انجام دهد. عدم انجام شایسته تکالیف دینی نیز باعث ضعف و نقصان دین‌داری خواهد شد. باتوجه به این واقعیت، در اندیشه

۱- بنیادهای علم سیاست، ص۱۲۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام فقر از جمله علل نقصان وضعف دین‌داری ذکر شده است. (۱)

امام علی علیه السلام همانند قرآن، غنا و بی نیازی مفرط اقتصادی را عامل طغیان وعصیان می داند؛(۲)نتیجه اینکه فقر وغنای مفرط اقتصادی هردو، می توانند به دینداری آسیب وارد کنند.

۱- نهج البلاغه، حکمت۳۱۹.

۲- غررالحکم ودررالکلم، ج۳، رقم۴۷۰۷.

فصل سوم: آثار و پیامدهای آسیب در جامعه منتظر

اشاره

به طور کلی بروز آسیب، با به وجود آمدن آثار و پیامدهای منفی و مخرّبی همراه است که باعث بروز مشکلاتی در روند کلی یک ارگانیزم ایجاد می شود. آسیب های فکری و فرهنگی نیز علاوه بر دامن زدن به مشکلاتی در فرد و رشد انفرادی انسان، پیامدهای مخربی در گستره حیات اجتماعی درپی خواهند داشت که مطالعه آن ها در شناخت ابعاد گوناگون آسیب ها اهمیت بسیار دارد.

اینک درصدد شناخت آثار و پیامدهای آسیب های ذکر شده برای جامعه منتظر هستیم که دو گستره فرد و جامعه منتظر را شامل می شود؛ ازاین رو نخست به عمده ترین آسیب های فردی پرداخته، سپس اهم آسیب های اجتماعی را بررسی می کنیم.

۱. آسیب های فردی

۱_۱. ترس از امام و آرمان های او

ترس از یک چیز به سبب کمی اطلاع از آن شکل می گیرد و ابهام ناشی از خلأ علمی در رابطه با یک موضوع، به ترس از آن می انجامد؛مروری بر آسیب های جامعه منتظر کافی است تا اذعان کنیم پایه اصلی و اساس همه این آسیب ها به عدم درک درست موضوعات و مفاهیم اساسی در بستر آموزه مهدویت مربوط می شود. هر یک از آسیب هایی همچون توقیت، استعجال و ادعاهای دروغین از درک نادرست مفاهیم غیبت و ظهور ناشی می شود و ابهام در نسبت اراده الهی و اراده انسانی در تمام این آسیب ها بدیهی به نظر می رسد.

چنین وضعیتی باعث می شودکه‌رفته رفته به ترسی پنهانی گرفتار آیند و همواره از ابهام ناشی از آسیب های پیش گفته رنج ببرند.

در یک آمارگیری که از حدود هزار دختر نوجوان صورت گرفته است، بیش تر آن ها شناختی بسیار مبهم و اندک از مهدویت

داشته اند. عمده مشکل آنان این بود که آیا صحیح است وقتی امام زمان علیه السلام ظهور می کندپای اسب ایشان درخون آدم هایی که سر آن ها توسط آقا زده شده است، فرومی رود؟(۱)

در چنین زمینه ابهام آلود و ترسناکی، اصلی ترین اثر آسیب ها در بعد فردی که به قطع ارتباط علمی و عاطفی با امام منتظَر است، بروز می یابد. نکته حائز اهمیت این است که‌این ترس باعث می شود زمینه هرگونه همراهی و استقبال از برنامه ها و آرمان های امام از بین برود و در نتیجه، آثار مخربی در عمل افراد منتظر ایجاد شود.

۲_۱. گریز از امام و آرمان های او

دنیاگرایی به معنای دلبستگی و سرسپردگی به دنیا از آنجا که باعث فراموشی آخرت می گردد، مذموم شناخته می شود. چنانکه در دوره های مختلف تاریخ به ویژه دوران زندگی معصومان:، دنیاگرایی برخی

۱- فصلنامه تخصصی انتظار، شماره ۱۲، چشم اندازی بر برخی از آسیب های تربیتی مهدویت.

عناصر، تأثیر زایدالوصفی در کنش های اجتماعی آنان داشته است که از پیمان شکنی تا کفر و خروج از دین را شامل می شد. (۱)

ترس از امام هم در مراحل بعدی، به ایجاد دوگانگی در تمایلات و نهایتاً بروز نفرت از امام منتهی می شود. هنگامی که افراد به وضعیت کنونی زندگی خود بسنده کرده و به کسی که می خواهد این وضع زندگی را تغییر دهد، شناخت کافی ندارند، رفته رفته از این عامل تغییر، تنفّر یافته و درصدد مقابله با آن برمی خیزند.

تأکید بر یادآوری رسالت مهم تاریخی جامعه منتظر، خود بهترین مکانیزم اجتماعی برای پیش گیری از کجروی ها و دنیاگرایی های جامعه منتظر است و به عاملی تبدیل خواهد شد که تنظیم رفتارها بر اساس هنجارهای دینی و بازدارنده از کجروی های دینی را تضمین می کند.

بدیهی است در یک جامعه منتظر، روابط اجتماعی نیز می باید بر اساس هنجارهای انتظار صورت پذیرد تا در پرتو التزام بدان ها

۱- ر.ک: نهج البلاغه، خطبه۳، ص۴۹.

ضمن تأمین خوشایندی و رضایت کنش گران، آن ها را به سمت سعادت و کمال رهنمون شود.

از دیگر پیامدهای آسیب های جامعه منتظر که بر تعاملات فردی اعضای جامعه تأثیر بسزایی دارد، تفسیرهای نادرست از کنش های دیگران و سوء ظن به آن هاست. در صورت بروز چنین حالتی، معتقدات دینی اعضای جامعه با آسیب روبه رو می شود؛ زیرا بر اساس آموزه های دینی نمی توان و نباید تفسیر نادرستی از اعمال و رفتار دیگر اعضای جامعه داشت؛ بلکه می بایست همواره رفتار آنان را در یک قالب و الگوی مقبول و متناسب با اخلاق و هنجارهای دینی تفسیر و تعبیر کرد.

۳ _۱. ترک وظایف و تکالیف انتظار

انتظار، در کلیت خود به تمام ابعاد زندگی افراد منتظر مربوط می شود؛ اما برای تحقق آن در عینیت حیات فردی منتظران، می باید به موانع آن نیز توجه داشت. روح منفعت طلبی و زیاده خواهی هر انسانی به دنبال آن است که بایدها و نبایدها را بر اساس

تمایلات خود تفسیر کند. این ویژگی در بدو امر، خصوصیت طبیعی قلمداد می شود؛ اما وقتی با سایر موارد به صورت نظام وار در نظر گرفته می شود، به دلیل آسیب یا آسیب هایی که به سایر بخش ها وارد می کند، نیازمند کنترل و جهت دهی است.

از این رو باید متذکر شد که در انجام الزامات و هنجارهای دینی نباید خود را آزاد دانست و در انجام تکالیف و فرایض، با سستی و تساهل و یا نادیده گرفتن و تسامح برخورد کرد؛ بلکه می باید آنچه از ناحیه دین به عنوان باورها، ارزش ها و هنجارها و مناسک دینی آمده است، تمام و کمال صورت پذیرد؛ و گرنه تسامح وتساهل در این تکالیف، موجب آسیب به سایر بخش ها می شود؛ از این رو مهم ترین پیامد بروز آسیب در جامعه منتظر، بی توجهی به تکالیف انتظار و بایسته های حیات منتظرانه است.

هر چند مواردی که امکان چشم پوشی و آسان گیری در آن ها وجود داشته، توسط خود دین، پیش بینی شده است و به همین علت، دین «سمحه و سهله» می شود؛ اما این ویژگی نباید بهانه ای شود برای آنکه منتظران به

حداقل ها در ظرف ذهن و عین رضایت دهند. چنانکه رضایت به حداقل ها، موجب چشم پوشی از تکالیف انتظار و در نتیجه، غفلت از فلسفه انتظار می شود.

۲. آسیب های اجتماعی

۱_۲. ناامیدی افراد جامعه

عمده ترین پیامد اجتماعی که از آسیب های جامعه منتظر ناشی می شود، به ناامیدی افراد جامعه و سرخوردگی رفتاری و تردید فکری آنان مربوط می شود. بروز هر یک از آسیب های جامعه منتظر که ذکرشان گذشت و نیز تکرار بروز آن ها سبب می شود رفته رفته در موضوعات و گزاره هایی که به این آسیب ها مرتبط است، دچار ابهام و تردید شده، از لحاظ رفتاری نیز نسبت به این موارد بی تفاوت گردند.

این وضعیت، به نوعی به ناامیدی اجتماعی دامن می زند که امکان هرگونه اصلاح و رشد را از میان برده و از معاضدت و تعامل افراد جامعه منتظر در راستای انجام وظایف و تکالیف خود می کاهد. این وضعیت، باعث بروز بحران ها و انحرافات فکری و عملی

خاصی می شود که همچون گذشته تاریخ، (۱) خطر وقوع آن ها محتمل است.

ناامیـدی و بی تفاوتی جامعه منتظر، مهم ترین اثر خود را در ترک وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نشان خواهـد داد. و اگر ایـن دو در ساختـار اجتمـاعی، از جایگـاه خـود برخـوردار نباشـد، پیامـدهای نـاگواری به دنبـال خواهـد داشت؛ به همین دلیل حضرت علی علیه السلام اعلان خطر کرده، چنین تذکر می دهد:

... مفاسـد آشـکار شـده، نه انکار کننـده و تغییر دهنـده ای پیـدا می شود و نه بازدارنـده ای به چشم می خورد... خداوند، امر کننـدگان به معروف را که خـود ترک کننـده معروفنـد و نیز نهی کننـدگان منکر را که خود مرتکب آن می شونـد، لعنت می کند. (۲)

ویژگی یـک جامعه پویا آن است که در سلسله مراتب طولی باورها و عقایـد تا هنجارها و عمل، روش یکسانی داشـته باشـند. عمل ها منطبق با اجزای نظام فرهنگی و نظام

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲- نهج البلاغه، ص ۱۸۸.

فرهنگی پاسخ گوی نیازهای جامعه باشد. این هم گونی باعث می شود در ذهن اعضای جامعه ایستارهای ارزشی، تحقق عینی به خود ببیند و در مقام عمل، التزام بدان ها مشاهده گردد.

در این کلام به هر دو مکانیزم نظارت اجتماعی غیررسمی و کنترل اجتماعی رسمی اشاره شده است. پایان کلام ایشان، بیانگر این واقعیت است که این نظارت، ضامن سلامت، سعادت و تعادل جامعه و اعضای آن خواهد شد. چنین مکانیزمی دقیقاً درباره جامعه منتظر صدق می کند و لزوم عمل به تکالیف اجتماعی انتظار را بیش از پیش تأکید می کند. اجرای امربه معروف و نهی از منکر در جامعه منتظر، حاکمیت انتظار در آن جامعه را تقویت کرده، مانع آسیب آن می شود.

۲_۲. عدم پیروی از فقها و دانشمندان

ناگفته پیدا است دغدغه هر مسلمان متعهدی، راهنمایی بشر و نوع انسان ها به سوی فلاح، رستگاری و سعادت است. این وظیفه، در خصوص حفظ ایمان مسلمانان، دو چندان می شود؛ چرا که عالمان و متفکران مسلمان، خود را مسؤول دینداری مسلمانان

می دانند و هر آنچه که به دینداری آن ها، خواه در ذهن و خواه در عین، آسیب برساند را آفت دانسته، با آن به مبارزه بر می خیزند. تلاش خستگی ناپذیر و مجاهدت تاریخی فقها و علمای شیعه در طول عصر غیبت، گویای این حقیقت است که همواره دفاع از کیان مذهب و راهبری جامعه منتظر شیعه در خط مستقیم امامت و حفظ حدود فکری و واقعی آن در رأس فعالیت های علمی و عملی ایشان بوده است.

با توجه به پیش بینی های پیامبر از آینده جامعه اسلامی و ایمان آوردن آینده گان به آرمان های والای اسلام و توجه دادن به امامت دوازده امام پس از او و غیبت طولانی دوازدهمین امام ناچار برای تضمین تداوم رهبری اسلامی ــ در عصر غیبت کبرا ــ باید برای امام غایب جایگزین و قائم مقامی باشد تا کمال، جامعیت و جاودانگی اسلام به خطر نیفتند؛ بنابراین رهبری در عصر غیبت امام معصوم، اصلی منطقی و معقول و نهادی عقلانی و بسیار ضروری و هماهنگ با اصول اولیه اسلام است.

مرجعیّت فقیه با کفایت و جامع شرایط،

بهـترین فرض ممکـن در صـورت غیبت امـام معصـوم است؛ به همین دلیـل نهـاد مرجعیّت در متن تعلیمـات دین مطرح بـوده تا مشـکل و معضـل جـامعه منتظر را در عصـر غیبت تـا حـدود زیادی برطرف کننـد. شـیعه، به برکت چنین نهادی در طول تاریخ پرپیچ و خم و با بدترین شرایط اجتماعی و حکومتی در بهترین وضعیت فکری، علمی و سیاسی قرار داشته است.

روایات معصومان لزوم تقلیـد از فقها و مرجعیّت علمی و دینی آنان را یاد کرده و آنان را حاکم و حجت مردم قرار داده است. (۱)

بـا این وجود، آنچه سـبب می شود میـان این رکن و حصن عظیم و مردمـان جـامعه منتظر فاصـله افتـد، به آسـیب های فکری و رفتاری و آثار برآمـده از آن ها مربوط می شود که دامن گیر جامعه منتظر شده است. مهم ترین نقش عالمان و دانشـمندان آن است که در علم آموزی، فعالانه برخورد کرده، حضور جـدی داشـته باشـند. وقتی فضای روابط انسانی میان عالم و دانشـمند و پرسش گر و دانشجو، جایگاه

۱- وسائل الشیعه، ج۲۷، ص۱۴۱.

خود را بیابـد، علم آموزی فراگیر می شود و میـل به پرسـش گری از دانشـمندان تقویت می شود و این امر، تضـمین گر شـیوع بصیرت دینی دربـاره انتظـار و رسـالت تـاریخی جـامعه منتظر خواهـد بود؛ امـا اگر اخلاـق و هنجارهـای حـاکم رعایت نشود، دانشـجویان و طالبـان علم به سـراغ اهـل علم نمی آینـد و در این صورت است که نیازمنـدان علمی بـا مجهولات خود باقی میماننـد و جهـل و نـادانی بر آن هـا چیره می شود. دوری از فقهـا و دانشـمندان که از آثـار اجتمـاعی آسـیب هـای جـامعه منتظر محسوب می شود، خود زمینه ساز بروز مسایل و مشکلات بی شمار دیگری خواهد شد.

حال اگر این مجهولات مربوط به حوزه دین باشد، تأثیر آن دو چندان می شود؛ زیرا مردمان جامعه منتظر نمی توانند رفتارهای خود را بـا هنجارهـای دینی مطـابق سازنـد و افراد جـامعه، هم نوا بـا دین شونـد. اصولا در این وضـعیت، مردمان، از هنجارهای دینی، اطلاعـات لاـزم و کـافی ندارنـد تـا رفتارهـای خـود را بـا آن همنـوا سازنـد و از ایـن خطرنـاک تر وقـتی است که همین پرسشگران به جای مراجعه به دانشمندان و اهل علم متخصص و

با کفایت، به کسانی که صـلاحیت لازم را ندارنـد، روی آورنـد و همین امر باعث پیـدایش هرج و مرج ها شده، دین آن ها به مخاطره می افتد.

۳ _۲. گسست میان نسل‌های تشیع

بـا آغاز غم انگیز عصـر غیبت، جامعه شـیعیان وارد دوره جدیـدی از حیات تاریخی خود شـد. این مرحله نه تنها شـرایط خاص خود را دارا بوده که اساساً طریق هـدایت الهی در آن نیز در مقایسه با ادوار پیشـین متفاوت است. جریان هدایت الهی در قالب حجت های خداوند، این بار به صورت طولی گسترش یافته و همزمان با مدیریت امام عصـر علیه السلام، فقها به عنوان مرجع و ملجأ جامعه شـیعه وارد عمل شدنـد. این رویه تا بـدان جا ادامه یافت که بررسـی حیات تاریخی تشـیع در عصـر غیبت، به دلیل پیوند محکم جریان مرجعیّت با واقعیت های زندگی شیعیان، در گرو شناخت مراحل تکامل مرجعیّت شیعه است.

جریان مرجعیّت، علاوه بر حفظ علوم و معارف مبنایی جامعه منتظر به عنوان نخ تسبیحی عمل می کند که نسل های تشیع را

در مسیری واحد نگه داشته و به پیش می برد. در واقع آنچه باعث شده تا تشیع از اقلیت در آمده، برابر انبوه فشارهای سیاسی و اجتماعی و حتی مذهبی سربلند باشد، وجود عنصری همیشگی و مستمر به نام مرجعیّت است که البته در زمان های مختلف، بسته به نیازها و شرایط هر دوره، در چهره های متفاوت به ظهور رسیده است.

علاوه بر این، مطالعه جریان مرجعیت و رهبری در عصر غیبت، گویای شرایط هر دوره از تاریخ تشیع است؛ از این رو مرجعیّت شیعه، آینه دار حیات جامعه منتظر در طول تاریخ به حساب می آید.

این پیشینه پرافتخار و طولانی که به عنوان دسترنج تاریخی جامعه منتظر در عصر غیبت شکل گرفته است، نیازمند ارائه و انتقال به نسل های آینده تشیع بوده که در این میان بروز آسیب های ذکر شده برای جامعه منتظر، مانع این رخداد مهم می شود. دامن زدن و گرفتار آمدن جامعه منتظر در آسیب های فکری و رفتاری، سبب می گردد ارتباط آن با سنت، از بین رفته و امکان برقراری ارتباط با نسل های گذشته از میان برود. در چنین

زمینه ای است که رسالت تاریخی جامعه منتظر تحت تأثیر واقع شده، در آرمان نهایی آن، ابهامات و سستی هایی به ظهور می رسد.

از این رو یکی از مهم ترین آثار و پیامدهای بروز آسیب در جامعه منتظر را می بایست در ایجاد گسست میان نسل های تاریخی تشیع جست و جو کرده و برای بررسی و مطالعه گستره این پیامدها و راه های مقابله با آن تلاش کرد.

فصل چهارم: نقد و بررسی مستند آسیب‌ها در جامعه منتظر

اشاره

با توجه به آنکه بحث مهدویت و عناصر وابسته به آن، جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی فراوان دارد، درکشورهای اسلامی وبرخی کشورهای دارای فرهنگ شرقی مانند هند، مورد توجه خاص قرارگرفته است. مدعیان دروغین مهدویت و نیابت و ملاقات گرایی نیز از این ظرفیت وگرایش عمومی سوء استفاده کرده‌اند. لذا لازم است زمینه این گرایش‌ها و شیوهبهره‌برداری مدعیان روشن شود. مدعیان جدید با طرفندهای ویژه و با استفاده از امکانات و فن آوری روز؛ مانند ماهواره و اینترنت و مطبوعات، به تحریک احساسات عمومی می پردازند.

اغلب عارف نمایان، خودرا، رابط میان مردم و امام زمان معرفی می کنند؛ حال آنکه

عرفای واقعی و بزرگ شیعه، چنین ادعایی نکرده اند. (۱)

به راستی چرا این تغییرات در زمان ما رخ داده است؟ آیا امروز به روایات جدیدی برخورده‌ایم که امثال کلینی نیافته بودند؟ آیا امروز، برخی از چنان معرفت و ایمانی برخوردارند که امثال شیخ مفید و شیخ انصاری ازآن بی بهره بوده‌اند؟ آیا درعصر ما درهای ملاقات به روی آن ها باز شده است یا شرایط فرهنگی و مذهبی زمان ما برای رواج یافتن ادعاهای ملاقات، مساعد شده و مدعیان جرأت و جسارت بیشتری پیدا کرده اند؟

۱. بازخوانی پرونده‌های مدعیان دروغین

۱ _۱. یک زن در دشتستان، مدعی رابطه با امام زمان و شفای بیماران شد. وی درجلسه خاص خود با در دست گرفتن پرچم، به میان جمع آمد و با حالتی ویژه گفت: «الان امام زمان در جمع حضور دارد و باید به احترام ایشان قیام کنید». براساس گفته خبرنگار پارس‌نیوز، وی با وجود حضور پلیس و

۱- پیچک انحراف، ص۱۲۸.

اطلاعات، حاضر به آمدن همراه پلیس نشد و فریب خوردگان ادعا کردند: «اگر او را ببَرید، زلزله خواهد شد». (۱)

۲-۱. پزشک مصری، ناگهان در مصلای نماز جمعه یکی از شهرهای عربستان اعلام کرد که حضرت مهدی است! وی قبلاً نیز ادعای نبوت کرده بود. (۲)

۱-۳. یک فلسطینی مرتبط با رژیم صهیونیستی، ادعای مهدویت کرده است. این شهروند فلسطینی در جنوب غزه، ادعاکرد، مهدی موعود است و از هواداران حماس خواست از اوتبعیت کنند. البته او با رژیم صهیونیستی، روابط پنهان داشته است. (۳)

۴ _۱. فرد دیگری که متولد۱۳۱۴ است، ادعای واسطه فیض از طرف حضرت حجت و نیز ادعای مکاشفه کرده است. وی با وادارکردن افراد به اعتراف به گناهانشان در

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه۱بهمن۱۳۸۶، ۱۲محرم۱۴۲۹، شماره۸۲۳۵، سال۲۹، ص۲.

۲- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۵۹، اخبارمدعیان.

۳- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۵۹، اخبارمدعیان.

برابر وی و نوشتن آن گناهان و تهیه زمینی برای مسجدجمکران در مشهد، سعی درجذب افراد دارد. او همچنین ادعای ارتباط دائم با امام‌زمان را دارد و به نقل یکی ازیارانش:«ایشان یک تنه در زمان غیبت برای هدایت مردم حاضرشده است». (۱)

۵ _۱. علی. ی. متولد ۱۳۴۴ تهران است. وی اخراجی دانشگاه بوده و ادعای رجعت دارد. مدعی است معلم غیبی به او گفته است: «تو باید اولین کسی باشی که در صبح ظهور به امام می‌رسی». وی حتّی حوادث زلزله ترکیه]پس ازحادثه کوی دانشگاه[و مرگ اسحاق رابین را به خود نسبت می دهد و می گوید: «ما از خدا خواستیم و او انجام داد». حتّی در جایی به حضرت موسی هشدار می‌دهد که جلوی اسرائیلی‌ها را بگیر و الاّ من خودم اقدام می کنم. (۲)

۶ _۱. ک. ب متولد۱۳۳۷بروجرد، قرآن درمانی از شیوه‌هایش بود. آیاتی از کلام الله را با گلاب و زعفران می شست و به مراجعان

۱- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۱۴۵و۱۴۶.

۲- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۱۵۱.

می داد تـا مشـکلاتشان حـل شود؛ مثلاًـ به نانواهـا، آیه «ن وَالقلم» و برای دنـدان درد، آیه «السِنّ بالسِنّ» را می‌داد. نامه‌هایی به مجـامع بین المللی و پاپ نوشت و خود را پیشوای مسـتقلّ و مـذهبی و مظلوم خوانـد. وی خود را نوه بیست وهفتم امام موسـی کاظم علیه السـلام وهمچنین نوه آیت الله بروجردی معرفی می کرد. القابی از جمله کهف المضـطرین، مصـلح خانه نشین، ناطق الـدعوات و...برای خود بر می گزیـد.(۱) این مـدعی، حتی بـدون گذرانـدن دروس سـطح حوزه علمیه، برخلاـف نص صـریح روایات، مدعی رسیدن به مقام«نمایندهخاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» شده است.

۷ _۱. مـدعی دیگر که درسـال‌های ۱۳۷۹و ۱۳۸۰ فعـالیت می کرد در اطلاـعیه‌های خود، اعلام‌می کنـد که:]به اصـطلاح[نظام جمهوری اسـلامی، شـرک آلود است و او از طرف امـام زمـان، مـأموریت دارد آن را از بین ببرد. همچنین اعلام کرد: قائم آل محمد، خمس به غیر معصوم را حرام می‌داند، ومی

۱- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۱۵۴و۱۵۵.

گوید: امام زمان به قوای قهریه نیاز ندارد.(۱)

۸ _۱. خانمی که مدعی ارتباط مستقیم با امام زمان بود، به خانمها عنوان می‌کرد: «اگرشش ماه نزد همسرخود نروند، حتماً امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را رؤیت خواهند کرد». در صورت جدایی شخص از گروه وی، دیگر افراد گروه، ضمن توهین علنی و حتی نسبت حیوانیت دادن به او، برایش مجلس ختم برگزار می‌کردند. (۲)

۹ _۱. خانم گ _ الف متولد ۱۳۳۰ تهران، ادعاهای خود را از سال ۱۳۶۳ آغاز کرد. ادعا می کند، امام زمان به او فرموده اند:

«اگرمن سه نفر مثل تو داشتم تا حالا آمده بودم. من ممنونم از شما که چهل سال ظهور مرا جلو انداختید». این خانم همچنین ادعا کرد: «چندین بار با حضرت ملاقات داشته‌ام وایشان یک اتومبیل و یک باب منزل در تهران به من داده اند و منتظرم حضرت

۱- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۱۵۷.

۲- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص ۱۳۰.

ظهور کنند تا با ایشان ازدواج کنم». (۱)

۱۰_۱. خانمی معروف به م. ن با تبلیغات، به خصوص میان خانم ها و در مراسم مذهبی، راننده خود را حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کرد. او زنان را ترغیب می کرد زیور آلات خود را به راننده وی هدیه کنند. (۲)

۱۱_۱. شخصی به نام احمد بن الحسن در سال۱۳۸۴درعراق، ادعای نیابت امام عصر را داشت. وی در شوال ۱۴۲۶ اطلاعیه‌ای صادر کرد و دیگران را به مباهله و مناظره خواند. طرفداران او می گفتند: چون مراجع مباهله را نپذیرفتند؛ لذا ادعای او بر حق است. (۳)

۱۲_۱. فردی که سال ها مدعی ارتباط با امام زمان بود وسپس مدعی شد خودش امام زمان است، به دست نیروهای امنیتی دستگیر شد. این فرد با حفر گودالی زیر اتاق خود، در منزلش و با مخفی شدن درگودال، ازطریق همسرش به مریدانش اعلام می کرد: «آقا»

۱- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۱۴۲و۱۴۳.

۲- ویژه نامه جام جم، (کژراهه)، اسفند۱۳۸۶، ص۱۹۲و۱۹۳.

۳- پیچک انحراف، ص۱۵۷و۱۵۸.

برای زیارت طی الأرض کرده است. مریـدان وی با مراجعه به داخل اتاق و ندیـدن وی، این ادعا را باورمی کردنـد. این مـدعی در حالی که با مریدان خود با پای پیاده به جمکران می‌رفت، کنار پل ورودی جاده جمکران مخفی شده وسپس همسر و برادر همسر وی، مدعی غیبت صغرای وی از چشم مریدان شدند و فرد یاد شده به مدت یک سال در منزلش مخفی شد.

این فرد که به ظـاهر دچار روان پریشـی است، توانسـته بود تعـداد قابل توجهی افراد را که مناصبی نیزداشـتند، به حلقه مریـدان خود بیفزاید؛ اما پس از دسـتگیری وی به همراه مریدان اصـلی اش و حبس آنان درزیر زمین ساختمانی درقم، مریدانش از وی می خواهنـد با اسـتفاده از قـدرت امامت خود برای آزادی آنان کمک کند؛ اما با ناتوانی این امام زمان قلابی پس از آزادی و گذراندن مدت محکومیت، دوباره مانندگذشته فعالیت ادعاهای دروغین‌خود را از سر گرفته است. (۱)

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه، ۲۷دی۱۳۸۵، ۲۷ذیحجه۱۴۲۷، شماره۷۹۶۸، سال بیست وهشتم، ص۱و۲.

۱۳_۱. فردی که مـدعی امـامت بود، ادعاهـای دروغین خود را پس گرفت. این مطلبی بود که روزنـامه جمهوری اسـلامی، از دادسـتان عمـومی و انقلاب قـم نقـل کرده اسـت. ایـن مـدعی منحرف که خـود را امـام چهـاردهم می‌دانست و می گفت امـام دوازدهم، حضـرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشـریف ازدنیا رفته‌انـد و بـدن ایشان در جمکران دفن شـده است و امام سیزدهم، در اصـفهان زنـدگی می کنـد؛ امـا بنـابر مصالحی خود را آشـکار نمی کنـد. از هنگامی که امام دوازدهم در جمکران مدفون شدند، باید نماز را به سوی جمکران بخوانیم! شرم آورتر اینکه عده ای مردوزن، ادعاهای او را باور کرده، نماز خود را نیز رو به جمکران می‌خواندنـد. البته این فرد وبسـیاری از مریـدانش اهل قم نیسـتند وتنها برای ایجاد پوشـش مذهبی و نفوذ در عقایـد افراد بی سواد واسـتفاده از احساسات پاک مردم، با حضور در این شـهر زیارتی، به کار اخاذی و شـیادی از زائران می... پردازند. (۱)

۱- روزنامه جمهوری اسـلامی، چهارشنبه، ۲۷دی۱۳۸۵، ۲۷ذیحجه۱۴۲۷، ش۷۹۶۸، سال۲۸ص ۱، ویکشنبه۲۴دی۱۳۸۵ش ۷۹۶۵ سال۲۸ص ۴.

۱۴_۱. عبدالرضا، ق، د مدعی مهدویت و نبوت، ادعا می کند:«من امام زمان هستم وچون پیام در جهان می آورم، پیامبرهم هستم. درست در چهل سالگی متوجه شدم خداوند یک سری کارها رامی‌خواهد برعهده من بگذارد». (۱)

۱۵_۱. خانم اکرم، الف، مدعی اخذ مقام از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در جلسه انحرافی خود، ادعاهای خود را به واسطه فرد ناشناسی که او را نمی‌شناسد طرح می کند. وی مدعی است حرف های حضرت حجت را از جانب وی می گیرد. او درجلسه مریدانش گفت: این دفعه به من گفت:«با مرتبطین با خود، خیلی رأفت نشان می دهی؛ لذا باید چلّه سخت به آن ها بدهی» و من می‌دانم این چهل روز برای شما سخت تر از ندیدن من نیست؛ لذا چهل روز مرا نمی‌بینید. در این چهل روز هیچ گونه ارتباطی با من برقرار نکنید. به این امامزاده‌ها و زیارتگاه‌ها بروید واز نوارها و سی‌دی های قدیم من استفاده کنید. خودتان را بسازید و

۱- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

حجاب‌ها را بردارید.(۱)

۱۶_۱. مدعیان در کلاس تشرّف دروغین، شخصی را گزینش کردند که ارتباط با امام زمان دارد و برای سؤال باید از قبل نام نویسی کرد و به آن شخص داد، تا جواب را از آقا بگیرد. فردی که هشتاد درصد بینایی خود را از دست داده بود، مراجعه کرد. به اوگفتند روز بیستم جواب را می گیری. روز بیستم به او گفتند: «حضرت آمدند شما خواب بودید و ایشان رفتند». (۲)

۱۷_۱. شخصی به نام م، الف، دست مریض را کنار سجاده خیالی ازامام، به ظاهر در دست امام، می گذاشت و می گفت: آقا روزی یکی دو تا را شفا می‌دهد. بعد همگی شعار می‌دادند: «یاصاحب الزمان در پیش ما بمان، یا صاحب الزمان آخرت با ما بمان». (۳)

۱۸_۱. در نمازی که به سجاده فرضی حضرت حجت اقتدا می کردند، در تشهد نماز

۱- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

۲- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

۳- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

بدعت هایی همچون «وفاطمه بنت رسول الله اُم المؤمنین حجه الله سیما بقیه الله فی الارضین صاحب الزمان» را به صورت دسته جمعی می‌خواندند. (۱)

۲. عوامل انحراف مدعیان

اشاره

کارشناسان پس از بررسی علمی بر روی مدعیان، عوامل ذیل را علل ادعاهای واهیو کذب بیان کرده اند:

۱_۲. اختلال روانی

فشار روانی، یکی از رایج ترین بیماری‌های زمان معاصر است؛ به‌گونه‌ای‌که طبق برآورد کارشناسان سازمان بهداشت جهانی، حدود شش درصد جمعیت کل جهان، از بیماری‌های روانی رنج می برند. شروع هشتاد درصد از بیماری‌های جسمی، با فشار روانی همراه بوده است که اصطلاحاً به آن، سایکوزیس(۲) (جنون) تحمیلی می گویند چنین فردی با قاطعیت

۱- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

۲- «psychosis »، (براساس فرهنگ نرم افزاری انگلیسی- فارسی بابیلون).

ادعای خود را بیان می کند تا دیگران را تحت تأثیر قرار دهد و دیگر هیچ منطقی را نمی پذیرد. (۱)

مدعی، خانم ف، الف در بازداشتگاه، در پاسخ به سؤالی که آیا ادعای همسری امام زمان را کردید، گفت:«من نگفتم؛ اهل یت گفتند و این قول را به من دادند. فقط در یک روز، سیزده بار خواستگار داشتم. امام را با چهره می‌شناسم. چهره جوان و پیر دارند. چهره اصلی ایشان را می‌شناسم وخانم حضرت زهرا پیغام دادند به خانم ف بگویید ظهور فرزندم مهدی نزدیک است. آنان باید توبه از گناهان گذشته کنند، به آنها بگو بلاهای آسمانی نزدیک است اگر احساس بلا کردند، تا می‌توانند از شیشه‌ها فاصله بگیرند. به آن ها بگو آن روز که حمیدم بیاید من نیز با حمیدم می‌آیم و شما می‌دانید ازنام های حضرت حجت، حمید است. همچنین سال ۷۰ حضرت دو جمله‌فرمودند: نمی‌توانم بیایم؛ چون مردم مرا طلب نمی‌کنند. دو شب بعد

۱- نشست۵۹مؤسسهفرهنگی انتظار نور، باعنوان«بررسی خلق وخوی مدعیان»، گفتاردکتربرهانی(روان‌شناس).

گفت نمی‌توانم بیایم اگر بیایم بایـد بکُشم؛ برای اینکه نکُشم نمی‌آیم. من تصـمیم گرفتم ایشان هم بیاید وهم نکُشد؛ لذا یک سال گریه کردم. چشم هایم به سرعت بینایی اش را از دست داد. حضرت فرمودند: اگر بیایم، مرا می‌بینی و بینا می‌شوی. (۱)

۲_۲. خود کم بینی و حقارت

به تعبیر روان شناسان، عقده حقارت(۲) یعنی افرادی که در کودکی دچار کمبود یا محرومیتی بوده اند، در بزرگسالی به دنبال جبران آن هستند که منجر به نوعی خود شیفتگی می‌شونـد که برای جامعه خطرناک هستند؛ یعنی جامعه را به دنبال اهـداف تخیّلی خود می کشند.(۳)

۳_۲. افراط و تفریط

یکی از زمینه های شخصیتی مدعیان، رفتار خلوت جویانه و انزوا طلبانهآن‌ها است.

۱- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

۲- interiority complex.

۳- «نشست۵۹مؤسسهفرهنگیانتظارنور»، باعنوان«بررسی خلق وخوی مدعیان»، گفتاردکتربرهانی(روان شناس).

این اعمال مدعیان، که تنها شباهت صوری با رفتار اولیای الهی‌دارد (که دورانی را به خلوت و راز و نیاز پرداخته‌اند)، می‌تواند عامل فریب مردم باشد. البته این‌ها در برهه‌ای دیگر توان شورش های فراوان دارند. (۱)

۴_۲. سوءاستفاده از نادانی

بی‌خبر نگاه‌داشتن افراد از روند فعالیت های خاصّ، ازسوی مدعیان و سران فرقه‌ها و معاشرت آنان با افراد آسیب‌پذیر و دارای مشکلات زندگی، عامل دیگری است که سردمداران فرقه ها با اعمال قدرت خاصّ، افراد را مسحور خود می کنند. و از طرفی، مردم هم، گرایش خاصی به عرفان های کاذب ونودارند ومدعیان معمولاً راه و روشی معرفی می‌کنندکه تکالیف کمتریا راحت تر را به دنبال دارد.

مهندس رضا ابوسعیدی پژوهشگرمقیم آمریکا می گوید:«یکی از مشاورین سازمان سیا خطاب به سران سازمان می گفت، برای

۱- «بررسی خلق وخوی مدعیان»دکتر برهانی، سخنرانی درنشت۵۹، مؤسسهفرهنگی انتظارنور، سال۱۳۸۶.

براندازی ایران، این‌قدردنبال برنامههسته‌ای ایران نباشید بلکه بیایید فرقه سازی کنیم. فرقه‌هاوقتی ساخته شود، آن اراده ملی... ازبین‌مردم می‌رود؛ آن‌گاه بایک حمله ساده می‌شودآن منابع انسانی ومالی کشورها راتصاحب کرد. (۱)

۵_۲. زودباوری مردم

مدعیان عرفان، برای به دام انداختن انسان های ساده اندیش، از شیوه‌های گوناگون استفاده می کنند؛گاهی القا می‌کنند روش‌های رایج درعرفان اسلامی نا کارآمد است؛ مثل پیمودن ره صد ساله در یک شب؛ لذا راه‌های انحرافی خود را طرح می‌کنند. گاهی عقاید سنتی را با فرهنگ التقاطی غربی و شرقی گره می زنند. گاهی محوشدن در ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مطرح کرده؛ خود را نماینده ایشان معرفی می کنند تا بتوانند به بهانه بیعت، زنان را وادار به ارتباط با خود نمایند و گاهی با طرح راه حل‌های آسان ومعجزه آمیز دروغین، ایجاد جاذبه می‌نمایند؛ برای مثال،

۱- نرم افزار شمیم انتظار۲، مدعیان دروغین.

مدعی ك ب، به مردم این گونه القا می کرد: «کار ما تماماً کار عرفانی است. معرفتتان را به من زیاد کنید. اگر می گویید «یالیتنا کنّا معک فنفوز فوزاً عظیماً» پس یا الله (کنایه از اینکه فرصت را از دست ندهید. همین‌ها است. از ما حمایت کن، حیف است من مجهولاً بروم. بعد من دیگر کسی نیست این حرف ها را بزنند.

باورداشتمان را محکم کنیم. من ثابت کردم مأموریت دارم. همه کار باید از ناحیه نایبش باشد. خیلی از عرفای اقلیت های مذهبی می‌دانند که الان نزدیک ظهوراست؛ لذا دوربین هایی نزدیک خانه ما گذاشتند تا ببینند چه موقع جنب وجوش است، خبر کنند. این ثانیه‌های آخر غیبت، مرا با حمایتتان، با باورداشت‌تان یاری کنید. به شدت به دالان ظهور دارید نزدیک می... شوید.

گاهی چنان آقا را نزدیک می‌بینم، فکر می کنم فردا است. شهوت و انگیزه در من مرده است. هیچی ندارم. یک جسد خالی هستم. من تشکر می کنم از همه کسانی که این سید مظلوم را در این برهه حسّاس غیبت

یاری می کنند». (۱)

دام دیگر آنـان برای جوانان، رفع حساسیت‌ها وحرمت‌ها و غیرت دینی پسـران و دختران، از دوران کودکی است تا به تـدریج در سنین بالاتر تثبیت شود. وآن را نوعی عشق معنوی می‌نامند.

از طرفی اعتمـاد و توجه فوق العـاده مردم به اماکن و اشـیای منتسب به ائمه و تردیـد آنان در پـذیرش یا رد مـدعیان و توجه به ظواهرآنان به جای تحقیق، فضا را برای عرض انـدام آنان مهیا می کند. نمونه بارز آن، حجت دانسـتن خواب و رؤیا و توهمات مدعیان از سوی مردم، حتی کسانی که مدعی آشنایی با مباحث مهدویت هستند.

طبق آمار، بیشتر مدعیان، مرد هستند؛ اما آسیب دیدگی زنان و مردان یکسان است؛ اگرچه‌در بعضی موارد خاص، بیشتر فریب خوردگان زنان‌هسـتند. همچنین آسـیب دیدگی مجردین به طور آشـکار از متأهلین بالاتر است. ضمن اینکه تحصیلات، جلوی آسیب را نمی گیرد. شاید علت، خلأ معنوی

۱- نرم افزار شمیم انتظار۲، مدعیان دروغین.

واحساس نیاز بیشتر تحصیل کردگان است؛ زیرا علم بیشتر، باعث احساس نیاز و درک بیشتر می شود. مدعیان وقتی دیدند عده‌ای از مردم به راحتی ادعاهای خرافیشان را می‌پذیرند، جلوتر رفتند و بعضی از آن ها ادعای خدایی کردند.

۳. تحلیل نهایی

با توجه به واقعیت های مشهود، عواملی همچون ترویج سطحی‌نگری، میدان دادن به عناصر بی سواد و دروغ پرداز درعرصه های تبلیغات مذهبی، پیدایش خلأهای معنوی در اثر رشد وگسترش مظاهرمادی و بی‌تفاوتی در برابر بی‌بندوباری‌های اجتماعی و اخلاقی، به‌ویژه بدحجابی وخودآرایی وخودنمایی دختران و زنان و مفاسدآشکار و پنهانی که ناشی ازآن است، از عوامل مهم پیدایش زمینه های رواج خرافات هستند. قطعاً سرمایه‌ها و برنامه ریزی‌های خارجی، این جریان آلوده راحمایت می کنند و از این زمینه مهیا، حداکثر بهره برداری را به عمل می‌آورند.

مهم این است که آنچه زمینه را برای این بهره برداری آماده می کند، عملکرد غلط

خودی هاست؛ به عبارت روشن‌تر، رشـد خرافات، یک تهاجم از درون است. خطر این تهاجم را مـدت هاست بزرگان هشـدار می‌دهند. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای در سفر به استان سمنان، ضمن گوشزد کردن خطر گسترش خرافات و بیان این نکته که«شـیعه باآزاد فکری و تکیه برعقل ومنطق واسـتدلال رشد کرده است و باید قدراین ویژگی را دانست و آن را دنبال کرد» برضرورت مبارزه با این پدیده شوم تأکید نموده، افزود:

روحـانیت آگـاه و اصـیل، بایـد برمبنـای سـیره پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و روش علمـای اسـلام، بـا این گونه خرافات خطرناک، شجاعانه و بدون ملاحظه مقابله کند.(۱)

رهبر فرزانه انقلاب، همچنین فرمود:

در کنـار تـبیین مسائـل اساسـی دین، بایـد بـا خرافـات مبـارزه کرد. جـدی بایـد بگیریم. سـیصد سـال پیش مرحـوم آقـا جمـال خوانساری، صاحب حاشیه بر لمعه برای برملا کردن خرافات، کتاب کلثوم ننه را با زبان طنز نوشت. این شأن روحانی است.

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه۲۴دی۱۳۸۵، ۲۴ذیحجه۱۴۲۷، شماره ۷۹۶۵، سال بیست وهشتم، ص۴.

رهبر معظم، به طورخاص مدعیان دروغین مهدویت را مورد اشاره قرار می‌دهد و می‌فرماید:

این، نشانه آن است که گرایش به این عنصر اصلی در زندگی مردم است. مردم به مسائل دین علاقه دارند. آدم خرافه ساز، خرافه درست می کند. چون کالای اصلی در اختیارش نیست، می‌رود کالای تقلّبی به میدان می‌آورد که مردم را جذب کند. خطرات را باید بگویید. ملاحظه اینکه کی بدش می‌آید نکنید؛ آزاد فکری و عقلانیت شیعه، این دو عنصر در کنار هم مایه افتخار ما است. ما از اول در تفکر شیعه به منطق و استدلال سوق داده شدیم و همین جور هم باید عمل کنیم.(۱)

بسیاری از مراجع عظام تقلید نیز پیوسته خطر رواج خرافات را گوشزد کرده و می کنند. حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در دیدار مسؤولان رادیو معارف چنین بیان فرمودند:

شما باید بحث خرافات را جدی گرفته و بیش از پیش در این خصوص کار کنید. عده ای با ترویج خرافات می‌خواهند پایه های اعتقادی و مبانی استدلالی ما را تضعیف نمایند. متأسفانه عده ای امروز به سمت پیر و مرشد ساختن و

۱- نرم افزار شمیم انتظار۲، (مدعیان دروغین).

عارف درست کردن می‌روند که باید جلوی این کار نیز گرفته شود.(۱)

خرافه دیگری که مراجع عظام درباره آن واکنش نشان داده اند، انتشار نامه هایی منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. مثلاً مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی; در پاسخ نظرخواهی، مرقوم فرمود:

دست نویس مقابل، مجعول و برای رسیدن به اهداف مادی و اغراض دنیوی و یا از روی جهالت جعل شده و نظائر آن در این زمان، فراوان است.(۲)

حضرت آیت الله مکارم شیرازی هم در همین رابطه اظهار داشت:

نسبت دادن هرنوع نامه به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دروغ و خرافات است. این نوع مسائل در جامعه زیاد شده است و مردم نباید فریب این گونه خرافات را بخورند. اگر علمای دین، بدعت‌ها را در نطفه خفه نکنند، دین اصالت خود را از دست خواهد داد. بدعت گذاران در دین

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه۲۴دی۱۳۸۵، ۲۴ذیحجه۱۴۲۷، شماره ۷۹۶۵، سال بیست وهشتم، ص۴.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه۸ مهر۱۳۸۵، ۶رمضان۱۴۲۷، ش ۷۸۸۰، سال بیست وهشتم، ص۴.

خدا، ظالم ترین افراد روی زمین می باشند و اگر علمای دین با این نوع افراد برخورد جدی نکنند، خداوند متولیان دین را نمی‌آمرزد.(۱)

۴. اهداف و انگیزه‌ها

در یک تقسیم کلی می‌توان اهداف مدعیان را در دو چیز تقسیم کرد:

الف. انگیزه‌های شخصی

ب. اهداف گروهی و تشکیلاتی

اسناد و تجربیات موجود ثابت می کنند معمولاً گروه‌های منحرف مدعی، مستقیم ویا غیرمستقیم دارای رگه‌های سیاسی بوده، تحت هدایت یا حمایت بیگانگان ادامه حیات می‌دهند. در یک جمع بندی می‌توان موارد ذیل را از اهم اهداف و انگیزه‌های مدعیان فردی وگروهی مهدویت برشمرد:

۱. کسب شهرت وآوازه؛

۲. کسب ثروت و سودجویی (ازافرادساده لوح)؛

۳. شهوترانی وسوء استفاده جنسی (به ویژه با اغفال زنان وجوانان)؛

۴. احساس خود برتربینی، خود دیگر بینی _ الینه شدن _ قدرت طلبی ومریدپروری

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه۸ مهر۱۳۸۵، ۶رمضان۱۴۲۷، ش ۷۸۸۰، سال بیست وهشتم، ص۴.

(معمولاً این‌نوع مدعیان، بیماران روانی هستندکه دچار توهم وتخیل شده اند).

۵. جبران شکست‌های زندگی و پایان دادن به سرخوردگی‌های گذشته و پاسخ به عقده حقارت؛

۶. جبهه‌گیری و ضدیت با دین و مذهب و نظام اسلامی؛

۷. تشکیل شبکه‌های فساد اخلاقی، باندهای توزیع مواد مخدر، ایجاد گروه‌های ضد اجتماعی (مانندسرقت، قتل وتسویه حساب‌های شخصی وگروهی)؛

۸. تشکیل شبکه‌های سیاسی _ امنیتی برای ایجاد اغتشاش و انجام عملیات‌های خرابکارانه در کشور (با هدایت وحمایت دشمنان نظام)؛(۱)

۹. ایجاد گسست میان مردم با نظام اسلامی، مرجعیت و روحانیت؛

۱۰. ایجاد جریان های انحرافی در راستای تضعیف اسلام ناب؛

۱۱. مأیوس کردن مردم از اسلام، تشیع، روحانیت ونظام مقدس اسلامی؛

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه۲۵آذر۱۳۷۸-۱۶ذیحجه۱۴۲۹-شماره۸۵۰۷-سال سی ام- ص۹.

۱۲. تضعیف حداکثری شریعت، مرجعیت و علما و روحانیون دلسوز و توانمند.

فریب جلوه سالوسیان مخور کاین قوم امیدشان به‌خدا نه، به سیم و زر است

۵. شگردهای جذب مریدان

۱. شناسایی و جذب افراد ساده لوح؛

۲. تأمین نیازهای مریدان و تطمیع جوانان با پول؛

تشویق جوانـان به ارتباطـات آزاد جنسـی وتن پروری، ماننـدبرگزاری‌اردوهـای مختلطو توصـیه به زنان برای کشف حجاب در مراسم ها؛

۴. ارائه اذکار و اوراد غیر مأثور و ختومات عجیب و غریب و توزیع دستورالعمل های غیرشرعی و به ظاهر جذّاب؛

۵. چشم بندی، کف‌بینی، رمالی و انجام امورخارق العاده یا غیرعادی، مانند احضار اجنه و تسخیر ارواح؛

۶. ادعاهای گزاف و دروغ پردازی های بزرگ مانند، ادعای کرامت و معجزه، مکاشـفه، ادعای دانسـتن اسرار و رموز هستی و کشف اسرار و رازهای مگو، تسلط بر علوم غریبه و

دانستن خواص حروف و اعداد و جداول؛

۷. ادعای تشرُّفات دروغین به محضر ذوات مقدس معصومان:؛

۸. ارائه اشیاء مختلف و انتساب آن به معصومان:؛

۹. تلقین رؤیت نور، استشمام بوهای خوش با ترفندهای مختلف؛

۱۰. خواب پردازی و یا تعبیر خواب های مریدان به شکل جذّاب ودلخواه؛

۱۱. لفاظی و سخنوری و سوءاستفاده از قدرت بیان خود در جذب مخاطب؛

۱۲. مبهم گویی؛

۱۳. تفسیر به رأی قرآن و منابع مذهبی و بدعت در انجام مناسک دینی و صدور فتواهای من درآوردی؛ مانند خواندن نماز به زبان فارسی ویا ترک کامل آن در مواقع تشخیص مراد؛

۱۴. ارائه استخاره و تفأّل به طور مشروح و مورد پسند مخاطب؛

۱۵. ادعای تعبیر خواب؛

۱۶. انتقال حس شخصیت کاذب به مریدان مانند دادن سفارت و مأموریت های خاص به هر مرید؛

۱۷. ادعای شفاعت گناهان و شفای امراض صعب العلاج؛

۱۸. ادعای ارتباط و وابستگی به نهادهای حوزوی، قضایی، امنیتی و انتظامی و دیگر مراکز موجه نظام برای جلب اعتماد مریدان؛

۱۹. ادعای رساندن آسان و بدون زحمت مریدان به مقامات معنوی؛ مثلاً تنها با بیعت کردن و دست بوسی وتبعیت بی چون و چرا از مراد؛

۲۰. نفوذ در ngoها _ تشکلات غیر دولتی _ با وعده کمک های مادی ودستگیری های معنوی.(۱)

۶. اهم راهکارهای مقابله با مدعیان دروغین

۱. اقدامات ایجابی

_ تغییر در نحوه تبلیغات دینی؛

_ بازتولید تبلیغات دینی؛

_ ارائه مبانی و مسلمات اصول دین و مذهب به صورت فراگیر وجذاب؛

۱- «روزنامه جمهوری اسلامی»، دوشنبه، ۲۵آذر۱۳۸۷-۱۶ذیحجه۱۴۲۹- شماره۸۵۰۷- سال‌سی ام- ص۹.

ــ برگزاری جلسات اخلاقی و معنوی متناسب با ذائقه مخاطبان در سنین و گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی؛

ــ ارائه کتب مناسب و جذاب اخلاقی و عرفانی، متناسب با سنین و فرهنگ های مختلف؛

ــ ارائه کتب داستانی (رمان) جذاب.

۲. اقدامات سلبی

اشاره

ــ افشاگری مدبرانه و هوشمندانه گفتارها و رفتارهای غیر عقلایی سر کرده‌های فرقه‌ها (بدون ذکر نام فرد وفرقه)؛

ــ توجیه اقناعی و چهره به چهره فریب خوردگان؛

ــ مقابله با مدعیان دروغین با استفاده از بَدَل روش‌های آنان (که منجر به زیر سؤال بردن صحت ادعایشان می‌شود)؛

ــ روش ادعا در مقابل ادعا؛ مثلاً عالِمی در مقابل مدعی سید یمانی، به او گفت: «چرا تو سید یمانی باشی؟ من سید یمانی هستم.» آنگاه فرد مدعی چیزی برای گفتن نداشت؛

ــ استفاده از تست‌های دروغ سنج؛

ــ به‌کارگیری از دستگاه دروغ سنج؛

ـ طرح پرسش از مدعیان و درخواست پاسخ از اولیاء الله.

دو نکته

۱. چنانچه اقدامات سلبی بدون برنامه ریزی وتدبیر مناسب صورت گیرد، به ترویج فرقه‌ها کمک خواهد کرد. در همین راستا مؤکداً تقاضا می‌شود در این گونه موارد از ذکر اسامی فرقه‌ها و رهبران آن‌ها خودداری شود.

۲. نگارنده در دیداری که با عالم بزرگوار، حضرت آیت الله رودباری ـ دام ظله ـ داشته و در باره آسیب‌ها و مدعیان دروغین در عرصه مهدویت سخن به میان آوردم، آن بزرگوار فرمود:

البته نباید آسیب ها را خیلی بر جسته نشان داد؛ زیرا باعث باور عموم و بزرگ شدن مدعیان دروغین خواهد شد؛ در حالی که مدعیان دروغین در طول تاریخ غیبت، پیوسته وجود داشته و مردم رویکردی به آنان نشان نداده اند.

نتیجه گیری

هر امر مهمی به نسبت اهمیت آن، در معرض خطرها و آسیب هایی است. آموزه های دینی نیز به سبب اهمیتی که در سرنوشت

افراد و جوامع گوناگون دارنـد، نیز از این قاعـده مسـتثنا نیسـتند. در این میان درباره آموزه مهـدویت نیز امکان بروز آفت ها و آسیب هایی وجود دارد که اگر به آن ها توجه نشود، آثار منفی و مخرّبی به دنبال خواهد داشت. آسیب های آموزه مهدویت، به مواردی اطلاق می شود که غفلت از آن هـا موجب سـستی اعتقـاد آدمی به اصـل وجود امـام علیه السـلام یـا ابعـاد مختلف شناخت آن بزرگوار می شود و گاهی نیز گرایش به افراد یا مجموعه های منحرف را در پی دارد؛ از این رو باید برای شناختن این کج روی ها و کج اندیشی ها اقدام جدی شود.

از آسـیب های مهم در فرهنگ مهـدویّت، تفسـیرها و برداشت های نادرست از موضوعات این فرهنگ اسـلامی است. درک و دریافت غلط از مفهوم انتظار سـبب شده است بعضـی گمان کنند چون اصـلاح جهان از فساد، به دست امام عصـر علیه السـلام خواهـد بود، برابر تباهی ها و ناهنجاری ها هیچ وظیفه ای نداشـته و باید بی تفاوت بود؛ چرا که همه چیز بر عهده آن حضـرت است.

در ادامه همین برداشت، افرادی نیز معتقدند هر حکومتی که در زمان غیبت

محقق شود، حکومتی باطل و برخلاف اسلام است. در چنین فضایی باید به تبیین این نکته پرداخت که روح آموزه های دینی و اساس برخی از آن ها همچون امر به معروف و نهی از منکر، در تضاد با چنین برداشتی است. نیز روایت هایی که به بطلان قیام ها و نهضت های عصر غیبت اشاره می کنند، حرکت هایی را شامل می شوند که به سبب دعوت به خویشتن برافراشته شده و محکوم به بطلان می باشند. سستی، بی اعتنایی و بی توجهی به شرایط جامعه، سر تسلیم فرود آوردن در مقابل بدی ها و ستم ها، بازیچه سیاست بازان و منحرفان شدن و مقابله با هر حرکت اصلاحی، همه از نتایج این دیدگاه در مورد انتظار است. چه شناخت صحیح از دین نداشتن، امر به معروف و نهی از منکر نکردن و نسبت به مسائل پیرامون خود بی تفاوت بودن، افراد و جامعه منتظر را از انتظار واقعی دور خواهد کرد.

دیگر آنکه برخی افراد به علت نداشتن نگاه جامع به دین و بدون بررسی دقیق روایات و سند آن ها، به شنیده ها اکتفا کرده، چهره ای خشن از امام عصر علیه السلام ارائه می دهند؛ در

حالی که باید مهر و قهر در کنار هم مطرح شوند و در چهره ای که از ظهور و حکومت حضرت و شخصیت بی مانند آن امام ترسیم می شود، مهر و قهر در کنار هم بیایند. تنها از قهر سخن گفتن و مهر را از یاد بردن، امام را در ذهن برخی افراد، خشونت طلب معرفی می کند. درباره مهر حضرت، سخن بسیار می توان گفت؛ چه روایاتی که مهر امامان را به طور عموم بازگو می کند و چه روایاتی که در ارتباط با مهر امام مهدی علیه السلام به طور خاص رسیده است.

مهربانی امام، همچون مهر خداوند کریم حکیمانه است؛ بدین معنا که قهر او نیز جلوه محبت اوست؛ چون قهر او بر دشمنانی خواهد بود که با توجه به هدایت و معجزات آن حضرت، باز هم به او کفر ورزیده و حکومت عدلش را گردن نمی گذارند. در زمین فساد می کنند و این یعنی خارها را از سر راه انسان و انسانیت برداشتن، یعنی مهر در چهره قهر. در ضمن، گروهی دیگر امام را شخصیتی تصور کرده اند که گویای به هیچ مبارزه و جهادی اقدام نمی نماید و همه امور را با معجزه حل می کند که این تفکر نیز نادرست

است؛ چرا که با هر دوی این مهر و قهر است که مبنای حکومت امام پا می گیرد و زمینه های عدالت گستری فراهم می آید.

از دیگر آسیب های موجود که ممکن است جامعه منتظر در دام آن گرفتار آید، طرح مباحث غیرضروری است. گاهی افراد و مجموعه ها در قالب های گفتاری و نوشتاری، به بحث هایی روی می آورند که هیچ ثمری ندارد و ضرورتی برای طرح آن ها احساس نمی شود. پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت و وجود فرزند برای آن بزرگوار، محل زندگی حضرت و مانند آن، از نمونه بحث های غیرضروری است. در رابطه با ازدواج حضرت بسیار دیده شده است که گروهی با بیان مطالبی غیر مستند، ازدواج حضرت را اثبات کرده و بعضی دیگر آن را رد کرده اند؛ در حالی که هیچ دلیل قطعی بر اثبات یا رد آن وجود ندارد و مهم تر اینکه توجه به چنین مباحثی فایده ای نداشته، ما را از پرداختن به مباحث اصلی و ضروری باز می دارد. آنچه در روایات به آن تأکید شده است، معرفت امام، حرکت در جهت رضایت امام مهدی علیه السلام و پیروی از آن حضرت در گفتار و کردار و

زمینه سازی برای ظهور ایشان است.

از دیگر آسیب های محتمل، خطر تعجیل و شتابزدگی است. عجله داشتن در تحقّق امر ظهور که در روایات بسیاری مورد نکوهش واقع شده است، از جدی ترین آسیب های این عرصه به شمار می رود. مهیّای ظهور بودن و کوشش برای زمینه سازی ظهور، بسیار مفید و پر ثمر است؛ اما نباید در این راه، شتاب زده بود. شتاب زدگی حاکی از درک نکردن حکمت و مصلحت خدا در این زمینه است و پیامدهای گوناگونی دارد که از جمله آن ها می توان به نا شکری و اعتراض و عدم رضایت به مصلحت الهی، رویکرد به منحرفان و مدّعیان دروغین مهدویّت، یأس و ناامیدی در اثر عدم تحقّق ظهور، استهزا و تمسخر آیات و روایات و معتقدان به غیبت و ظهور و نیز بروز شک و تردید اشاره کرد. تعجیل یکی از آفت ها و آسیب هایی است که فرا روی منتظر قرار دارد؛ اما برخی در نقطه مقابل نیز دچار آسیب شده اند که آن، دور شمردن وقت ظهور

است و نتیجه آن، بی اعتنایی و قساوت قلب است. (۱)

از دیگر آسیب ها، تعیین وقت برای ظهور است. گسترش شور و شوق عمومی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام پدیده مبارکی است؛ اما اگر این پدیده به تعیین زمان برای ظهور و امیدوار ساختن مردم به ظهور ایشان در زمانی معین منجر شود، جای تأمل بسیار دارد؛ زیرا بر اساس برخی روایات نقل شده از ائمّه: هیچ کس جز خدای تبارک و تعالی از زمان ظهور آگاهی ندارد و از این رو تعیین وقت برای ظهور (توقیت) جایز نیست.

حکمت الهی بر این است که وقت ظهور آن حضرت بر بندگان مخفی بماند؛ لذا احدی نمی تواند زمانی برای ظهور تعیین کند. با این

۱- الخصال، ج۲، ص۶۲۲ : «...و استعینوا بالله و اصبروا فإن الأرض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین لا تعاجلوا الأمر قبل بلوغه فتندموا و لایطولن علیکم الأمد فَتَقْسُوَ قلوبکم... ؛ از خدا یاری خواهید و شکیبا باشید. زمین را به هر که از بندگان خویش هرگاه خواسته باشد، می‌دهد و فرجام نیک از پرهیزکاران است.پیش از وقت در کارها شتاب مکنید تا پشیمان نگردید. زمان را دراز مگیرید تا در دل شما دشوار نشود».

حـال بعضـی آگاهـانه یا ناآگاهانه برای ظهور وقت تعیین می کننـد که کم ترین اثر آن، احساس یأس و ناامیـدی برای کسانی است که این وعده های دروغین را باور کرده، ولی خلاف آن را دیده اند.

تطبیق نشانه های ظهور بر مصادیق خاص نیز از جمله آسـیب هایی است که پیوسـته بعـد از غیبت امام عصـر علیه السـلام وجود داشـته است. مطابقت دادن نشانه های ظهور بر وضـعیت هر زمان، به این معنا که عـده ای با خوانـدن یا شـنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن ها را به افراد یا حوادثی خاص تطبیق می دهنـد، بدون تشـخیص صـحیح بودن آن ها و بدون بررسـی آیات و روایات دیگر، آسیبی جدی است که همواره سلامت جامعه منتظر را تهدید می کند.

ملاقات گرایی، از دیگر آسـیب هایی است که در عصر غیبت برای جامعه منتظر رخ می نماید. مدعیانی که بی دلیل یا به بهانه ساده ترین اتفاق، ادعای ملاقات می کننـد یا کسانی که تمام وظیفه خویش را دیـدار حضـرت می پندارند و از وظایف اصـلی خود غافل می شوند زمینه ساز بروز چنین آسیبی

هستند. البته مسلماً دیدار، امر مطلوبی است؛ اما ویژگی منتظران واقعی امام برای دستیابی به رضایت آن حضرت، ادای وظایفی است که برای آن ها در نظر گرفته اند.

آنچه در کتاب حاضر گذشت، شناخت آسیب های جامعه منتظر در چشم انداز آموزه مهدویت بود. این آسیب ها و انحرافات در ابعاد فکری و اعتقادی و رفتاری و نیز در حوزه های فردی و اجتماعی، امکان بروز و ظهور داشته و دارند. در پیگیری موضوع کتاب، نخست به این پرسش پاسخ داده شد که آیا در متون و منابع اسلامی، برای جامعه منتظر و کسانی که در زمان غیبت، در انتظار امام غایب به سر می برند، آسیبی ذکر شده است؟ با فرض ذکر این آسیب ها، مهم ترین آن ها در این عرصه چیست و به چه مواردی اشاره شده است؟

علاوه بر این، چه آسیب هایی درباره روایات و آموزه های مربوط به انتظار ظهور امام به وجود آمده که به انحراف در برداشت ها و تفاسیر از آن ها انجامیده است؟ سپس اثرات و پیامدهایی که این آسیب ها در فرد و جامعه منتظر بر جای می گذارد و مشکلاتی که به آن ها دامن می زند، مورد بررسی قرار گرفت.

با مطالعه روایات و احادیث معصومان به مجموعه ای از خطرات و آسیب ها برمی خوریم که با غیبت امام مهدی علیه السلام برای جامعه منتظر به وجود می آید. عمده ترین این آسیب ها که به طور خاص با مسأله انتظار و ظهور ایشان درهم تنیده شده است، عبارتند از: استعجال ظهور، بروز تشتّت و تفرقه، ایجاد هرج و مرج، توقیت و تطبیق شرایط با زمان ظهور، ظهور مدعیان دروغین نیابت و مهدویت و ایجاد کسالت و سستی در انجام وظایف.

علاوه بر این، مسایلی از قبیل برداشت های انحرافی از آموزه انتظار، تفاسیر نامعقول از روایات مرتبط با زمان ظهور، ترسیم امام به عنوان یک عنصر قهرآلود، ویرانگر و پایان بخش، تحریف در مفهوم غیبت و ایجاد نظریات بی پشتوانه در این باب، طرح مباحث غیرضروری در زمینه مهدویت، کوتاهی متولیان فهم در ارائه آموزه های مهدوی و انجام وظایف خود، متناسب با تحولات زمان، ملاقات گرایی، عدم پیروی از فقها و نواب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت، دامن زدن به بی توجهی و ناامیدی نسبت به حضور و ظهور

امام، سبب شده است تا آثاری همچون نفرت و ترس از امام و ترک وظایفی که نسبت به ایشان در بعد فردی وجود دارد و نیز ناامیدی افراد جامعه و عدم پیروی از عالمان و دانشمندان در مسایل زندگی و گسست میان نسل های تشیع در بعد اجتماعی و تاریخی به وجود آید. این مطالب سبب شد تا فرضیه های اصلی پژوهش ثابت شوند.

در پایان و در جهت مرور منشأ و علل آسیب های جامعه منتظر، آنچه به عنوان عوامل و زمینه های اصلی در بروز این آسیب ها و ایجاد پیامدهای ناشی از آن ها به نظر می رسید، از جمله عناصری همچون فراموشی ولایت خدا ومعصومان:، فقرفرهنگی، خودخواهی و اشتیاق غیرمعقول در حوزه فردی و نیز مواردی از قبیل عدم معرفت و آگاهی و طرح مباحث به شیوه غیرکارشناسی در حوزه اجتماعی، ضعف جامعه پذیری و فقر و غنای مفرط اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت وسپس راهکارهای مقابله با آسیب، تبیین گردید. آنگاه به جریانات انحرافی مدعیان دروغین و بررسی ابعاد مختلف درباره آن به طور مستند پرداخته شد.

کتابنامه

قرآن کریم.

۱. آریان پور، عباس، فرهنگ کامل انگلیسی فارسی، سوم، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۹ ش.

۲. آریان پور، منوچهر، فرهنگ پیشرو آریان پور، جهان رایانه، تهران، ۱۳۷۷ش.

۳. آشوری، داریوش، فرهنگ علوم انسانی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۴ش.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، دارالکتاب العربی، بغداد، ۱۳۸۴ق.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ق.

۶. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، حسین اعلمی، آل علی، قم، ۱۳۸۲ش.

۷. ابن شهرآشوب مازندرانی، المناقب آل ابی طالب، ذو القربی، قم، ۱۳۸۵ ش.

۸. ابن طاووس، السید علی، اللهوف، نوید اسلام، قم، ۱۳۸۲ش.

۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، اول، دارالاحیاءالتراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ق.

۱۰. ابی فراس، ورّام، مجموعه ورّام، بی جا، بی نا، بی تا.

۱۱. احسایی، شیخ‌احمد، جوامع الکلم (رساله دمشقیه)، اول، دارالمحجه، بیروت، ۱۴۲۵ق.

۱۲. استر آبادی، علی، تأویل الآیات الظاهره، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۶ش.

۱۳. اسحاقیان، جواد، پیچک انحراف، بنیادفرهنگی حضرت مهدی‌موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۸۸ش.

۱۴. اسلامی‌ندوشن، محمد علی، فرهنگ‌وشبه فرهنگ، سوم، یزدان، تهران، ۱۳۷۱ش.

۱۵. الیور لیمن، تاریخ فلسفه اسلامی، حسین نصر، حکمت، تهران، ۱۳۸۳ش.

۱۶. بریجانیان، ماری، فرهنگ اصطلاحات فلسفه وعلوم اجتماعی، بهاءالدین خرمشاهی، دوم، پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳ش.

۱۷. پورسیدآقایی، مسعود، تاریخ عصر غیبت، دوم، حضور، بی جا، ۱۳۸۳ش.

۱۸. تبریزی، محمدحسین بن خلف، برهان قاطع، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱ش.

۱۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.

۲۰. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، تبلیغ (۱۰)، ویژه نامه رمضان المبارک ۱۴۲۹ش.

۲۱. جرج‌ریتزر، نظریه‌های‌جامعه‌شناسی‌دردوران‌معاصر، حیدرفتح‌زاده قریب، اول، حقوق اسلامی، قم، ۱۳۸۳ش.

۲۲. جعفری، محمدصابر، مهدی‌ستیزان، اول، الهادی، قم، ۱۳۸۴ ش.

۲۳. حاکم نیشابوری، محمد بن‌محمد، المستدرک علی الصحیحین، یوسف مرعشی، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۰۶ ق.

۲۴. حجاریان، سعید، از شاهد قدسی تا شاهد بازاری، طرح نو، تهران، ۱۳۸۰ش.

۲۵. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل‌الشّیعه، موسسه آل البیت:، قم، ۱۳۷۸ش.

۲۶. حسینی شیرازی، صادق، شمیم رحمت، امام عصر، قم، ۱۳۸۴ش.

۲۷. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، المکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۹۲ق.

۲۸. رجب‌زاده، زهرا، گذری‌بر‌آسیب‌شناسی‌جامعه‌اسلامی، اول، معارف، قم، ۱۳۸۱ش.

۲۹. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۸ش.

۳۰. سید بن طاووس، الملاحم و الفتن، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۰ش.

۳۱. سید بن طاووس، جمال الأسبوع، آفاق، تهران، ۱۳۷۱ش.

۳۲. سید رضی، نهج البلاغه، محمد دشتی، نشر امام علی علیه السلام، قم، ۱۳۷۰ش.

۳۳. شهیدی، جعفر، ترجمه نهج‌البلاغه، چاپ‌سیزدهم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷ش.

۳۴. شیخ الاسلامی، حسن، غرر الحکم و درر الکلم، انصاریان، قم، ۱۳۷۴ش.

۳۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، مکتوب، قم، ۱۳۷۵ش.

۳۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، جمال منتظر، ترجمه منتخب الاثر، نثار احمد زین پوری، مؤسسه الامام المنتظر، قم، ۱۳۸۳ش.

۳۷. صافی، لطف الله، منتخب الاثر، دوم، مکتبه الصدر، تهران، بی تا.

۳۸. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الکبری، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۸۰ق.

۳۹. صدرحاج سیدجوادی، احمد، دائره المعارف تشیع، شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۸۱ش.

۴۰. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۲ش.

۴۱. صدوق، محمدبن‌علی، من لایحضره الفقیه، دارالتعاریف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۶۹ق.

۴۲. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۰ش.

۴۳. طبرسی نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۵ش.

۴۴. طبسی، محمدرضا، الشیعه والرجعه، محمدمیرشاه ولد، حکمت، قم، ۱۳۸۰ش.

۴۵. طبسی، نجم الدین، نشانه هایی ازدولت موعود، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ش.

۴۶. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.

۴۷. طوسی، محمد، الغیبه، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.

۴۸. طوسی، محمد، مصباح المتهجد، موسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ق.

۴۹. حلی، علامه، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، اسلامیه، تهران، بی‌تا.

۵۰. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، ششم، نی، تهران، ۱۳۷۹ش.

۵۱. عاملی، جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ش.

۵۲. حایری قزوینی، مهدی سیمای حضرت مهدی در قرآن، سوم، نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۶ش.

۵۳. علویان، مرتضی، روحانیت وجامعه پذیری سیاسی، اول، مؤسسهآموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۳ش.

۵۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، دارالهجره، قم، ۱۳۷۶ش.

۵۵. فرمهینی فراهانی، محسن و ابوالقاسمی، محمد جواد، آسیب شناسی توسعه فرهنگ دینی، منهاج، تهران، ۱۳۸۲ش.

۵۶. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، الهی قمشه ای، اول، مرکز نشرفرهنگی رجاء، ۱۳۶۹ش.

۵۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، مکتبه الهدی، نجف، ۱۳۸۷ق.

۵۸. کراجکی، عبدالله نعمه، کنزالفوائد، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.

۵۹. کارل پوپر، جامعه باز و دشمنان آن، عزت الله فولادوند، خوارزمی، تهران، ۱۳۸۴ش.

۶۰. کاظمی، سیدعلی اصغر، بحران‌نوگرایی‌وفرهنگ‌سیاسی‌درایران‌معاصر، قومس، تهران، ۱۳۷۶ ش.

۶۱. کاظمینی، میرزامحمد، فرهنگ‌سازی در دنیای‌امروز، بنیاد فرهنگی ریحانه‌الرسول، قم، ۱۳۸۱ ش.

۶۲. کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الأمین، دارالکتاب، بیروت، ۱۳۷۸ق.

۶۳. کورانی، علی، معجم‌احادیث‌الامام‌المهدی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، بی جا، ۱۴۱۱ق.

۶۴. کفعمی،ابراهیم بن علی،المصباح، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۸۲ق.

۶۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، اسلامیه، تهران، ۱۳۸۱ش.

۶۶. گلشن‌فومنی، محمدرسول، جامعه‌شناسی‌سازمان ها و توان‌زمانی، دوران، تهران، ۱۳۸۲ش.

۶۷. گوستاو یونگ، کارل، روح وزندگی، اول، نیل، ۱۳۷۹ش.

۶۸. گی‌روشه، کنش‌اجتماعی، زنجانی‌زاده، هما، دانشگاه فردوسی، مشهد، بی تا.

۶۹. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار،دارالمعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۷۹ق.

۷۰. مشکور، محمدجواد،فرهنگ‌فرق‌اسلامی،دوم،آستان قدس‌رضوی، ۱۳۷۲ش.

۷۱. مصباح‌یزدی، محمدتقی، آفتاب‌ولایت، مؤسسه‌آموزشی‌وپژوهشی‌امام‌خمینی ;، قم، ۱۳۸۲ش.

۷۲. مصطفوی، حسن، التحقیق‌فی‌کلمات‌القرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، ۱۳۷۴ش.

۷۳. مطهری، مرتضی، قیام‌وانقلاب‌ازدیدگاه‌فلسفه‌تاریخ، صدرا، تهران، ۱۳۸۳ش.

۷۴. مطهری، مرتضی، انسان وسرنوشت، صدرا، تهران، ۱۳۸۲ش.

۷۵. موسوی خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۹ش.

۷۶. ناظم زاده قمی، سید علی اصغر، جلوه های حکمت، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ش.

۷۷. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۸۲ش.

۷۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ش.

۷۹. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، اول، آل البیت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۰۷ق.

۸۰. نهاوندی، علی اکبر، العبقری الحسان، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ش.

۸۱. نیک گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه شناسی، توتیا، تهران، ۱۳۸۳ش.

۸۲. نیم کوف واگ برن، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه آریان پور، شرکت‌حبیبی، تهران، ۱۳۵۳ش.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

۸۳. معین الاسلام، مریم، فصلنامه انتظار موعود، (مقاله«چشم اندازی بر برخی از آسیب های تربیتی‌مهدویت»، مرکزتخصصی مهدویت، سال چهارم، شمارهدوازدهم، ۱۳۸۳ش.

۸۴. کورانی، علی، فصلنامه انتظارموعود، (مصاحبه)، مرکزتخصصی مهدویت، سال اول، شمارهدوم، ۱۳۸۰ش.

۸۵. سند، محمد، فصلنامه انتظارموعود، (مصاحبه)، مرکزتخصصی مهدویت، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۸۱ش.

مجلات، نرم افزارها و سایت ها

۱. «دانش نامه ویکی پدیا فارسی»، سایت ویکی پدیا، جیمی ولز، ۲۰۰۱م.

۲. صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران، ویژه نامه ی کژراهه (تأملی درعرفانهای دروغین)، جام جم،، اسفند۱۳۸۶.

۳. نشریه کتاب نقد، دی ماه ۱۳۷۶ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹